

از انقلاب با اصولیت و با مسؤلیت باید دفاع کرد

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره : ۸ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۴
شنبه ۲۷ مرداد ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

مطبوعات باید متوجه
مسئولیت انقلابی خود باشند
آرزوی ماست که انقلاب
ایران از گردنه‌های آینده
بی فاجعه بگذرد

در صفحه ۷

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت
سالگرد جنایت سینما رکس آبادان
از تکرار جنایات امپریالیسم
و عمال آن فقط با
مبارزه متحد خلق
میتوان جلوگیری
کرد

هموطنان عزیز!

یک سال پیش، در چنین روزی، وقتی که نخستین موجهای
خشم توده‌ها، تخت خونین سلطنت پهلوی و پایگاه اقتدار امپریالیسم،
بسرکردگی امپریالیسم امریکا راه لرزه انداخته بود، رژیم جنایت
پیشه آریامهری دست به یکی از تنگین‌ترین جنایات بشری زد.
کارگران رژیم غارت و شکنجه با اجرای توطئه‌ای بیرحمانه و
ددمنشانه، ابتدا راه‌های فرار را بستند و آنگاه با فرستادن گاز
مخصوصی، که از اسرائیل آورده بودند، سیمانی را که ۱۰۰۰ زن و
مرد و بیرو جوان در آن سرگرم تماشای فیلمی بودند، به آتش
کشیدند. آدمکشان شاه مخلوع به دستور اربابان امپریالیست خود،
بقیه در صفحه ۴

انتشارنامه سرگشاده کمیته مرکزی
حزب توده ایران در مجله
«فلسطین الثورة»

عربی / دولی

ایران:

بیان من اللجنة المركزية لحزب توده:

کیف نخبی مکاسب الشعب

بجانب العمل علی تصفیة
بقایا مؤسسات النظام الفاسد

في اوائل تهور الجاري، صدر في طهران بيان عن اللجنة
المرکزية لحزب «توده» الإيراني يتناول مجمل قضايا الثورة
الإيرانية وما تتعرض له من نكسات ومكائد من قبل الإمبريالية
العالمية والأمريكية بالتحديد، وفيما يلي معجم ما جاء في البيان:

مجله «فلسطین الثورة»، ارگان مرکزی سازمان آزادیبخش
فلسطین، در شماره ۳۸۹ مورخ شانزده ژوئیه، ۱۹۷۹ (۲۵ تیرماه
۱۳۵۸)، نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران (اول مرداد
۵۸) را با ذکر مقدمه‌ای چاپ کرده است. «فلسطین الثورة» در این
مقدمه نوشته است:

«در اوایل ژوئیه، در تهران، اعلامیه‌ای از طرف کمیته
مرکزی حزب توده ایران انتشار یافت، که در آن تمام مسائل انقلاب
ایران و اساس و توطئه‌هایی را که توسط امپریالیسم جهانی، و بخصوص
امپریالیسم آمریکا، بر سر راه این انقلاب گسترده شده است، تجزیه
و تحلیل نمود.»

در صفحات
بعد:

طرح پیشنهادی
حزب کمونیست
عراق برای تشکیل
جبهه ملی و
دموکراتیک عراق
(صفحه ۳۴ - ستون اول)

پیام فیدل کاسترو
به امام خمینی
(صفحه ۴ - ستون سوم)

کشورهای
سوسیالیستی پشتیبان
نیرومند جنبش‌های
آزادیبخش ملی
(صفحه ۶ - ستون پنجم)

مخالفت با سیاست
عدم تعهد یعنی
مخالفت با سیاست
مستقل ملی
(صفحه ۸ - ستون سوم)

امام با تشکیل
دادگاه‌های جرائم
ضد انقلاب، مخالفت
کرد
(صفحه ۸ - ستون سوم)

رفیق راه بیا -
شعری از سیروس
نیرو
(صفحه ۸ - ستون اول)

تجربه ۲۸ مرداد

تعبیر استیفای
حقوق ایران از
نفت جنوب و
آرایش قوا
پیرامون آن

در صفحه ۲

بزودی منتشر میشود

دنیای

۱۳۵۸

نشریه سیاسی و تئوریک
کمیته مرکزی حزب توده ایران
بیتداتار: دفتر نشریاتی

خوزستان را دریابید

در صفحه ۶

افول شکوهمند شش زندگی!



سرگرد رحیم بهزاد



ستوان یکم منوچهر مختاری



سروان اسمعیل محققزاده

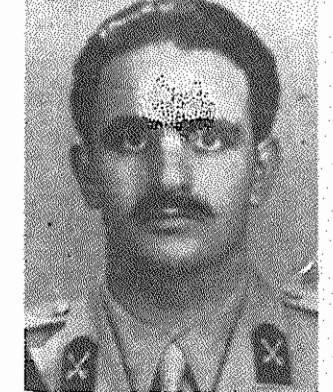


ستوان سوم هوانی

اسداله نصیری



ستوان یکم حسین مروان



سرگرد ارسطو سروشیان

انگیز بود. خبر نکار عکاس
اطلاعات دریای عکس او، که خنده‌اش
بر درد و شکنجه پیروز شده بود،
نوشت، این سروان محققزاده
است، در همین لحظه او را از اطاق
شکنجه به سلول زندان آورده‌اند.
خنده او اعجاب‌انگیز است.
هنگامیکه محاکمه رفیق

شهید محققزاده و یازده تن
از افسران هم‌رزم او در
دادگاه در بسته نظامی جسرین
داشت، یکی از افسران فرمانداری
نظامی تهران، همکار تیموربختیار
و از دشمنان سرسخت توده‌ایها، که
در این دادگاه حضور داشت، به
یکی از هم‌زمان محققزاده
گفته بود:

روشن است که من از مخالفان
پروپاقرس حزب توده ایران
بقیه در صفحه ۷

قفل شد، تا آخرین پیام مسافران
دیپلماتی را بشنوند. آخرین
پیام، سرود حزب توده ایران، بانگ
زندگی، بانگ رزم بود که از شش
جنجره، هم‌زمان، در فضایی گشود
و در قلوب هم‌زمان بر آتش شعله-
ناگه کهن و نبرد دامن زد.
شش ستاره‌ای که سحرگاه روز

۲۶ مرداد سال ۱۳۳۴ زمین
کشیده شدند، آیه‌های دلآوری،
پیکارجویی، امید و پامردی بودند.
در روزهای غم‌آکنده که دشمن
سه دل، یاس و شکست و ناآواری
تبلیغ میکرد، آنها مروای تپک
شادی و امید و شوق زندگی و نبرد
بودند. سیمای خندان و دلپذیر
محققزاده، حتی در لحظاتی که
با جسمی درهم کوبیده شده از اطاق
شکنجه به سلول انفرادی انتقال
داده میشد، نه فقط مایه اعجاب
دوست، بلکه برای دشمن نیز بهت

شش مرد، شش دلآورد، شش
نستوه، شش قهرمان، سحرگاه روز
۲۶ مرداد سال ۱۳۳۴ پیکرشان
بر خاک افتاد، سروان اسمعیل
محققزاده، ستوان یکم منوچهر
مختاری، سرگرد رحیم بهزاد،
سرگرد ارسطو سروشیان،
ستوان یکم حسین مرزوان،

ستوان سوم اسداله نصیری.
ماه هنوز در آسمان تیره
شب ۲۶ مرداد سرگردان بود که
چلادان بسراغ شش مبارز رفتند،
شش مبارزی که بزرگترین گناهشان
همدلی با خلق بود. آنها بی‌هراس
از مرگ، لیریز از ایشار، آماده
برای شهادت، با چلادان روبرو
شدند. طنون کامه‌ایشان در
راهروهای زندان، یاران زندانی را
ناخواسته از خواب بیدار کرد.
بینون خبری بود، گوشها به درها

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

تجربه ۲۸ مرداد (۳)

تعبیر استیفای حقوق ایران از نفت جنوب و آرایش قوا پیرامون آن

استیفای حقوق ایران از نفت جنوب، مفهوم بسیار کشداری بود که هر قشر و طبقه اجتماعی میتواند منظور و مقصود خود را در آن بکنجداند. بخشی از هیئت حاکمه ایران، که وابسته به امپریالیسم انگلیس بود، این مفهوم را بدین معنا تعبیر میکرد که چندرغازی به درآمد سالانه ایران از نفت جنوب افزوده شود و در عوض موقعیت شرکت نفت از نظر حقوقی تحکیم گردد. کسانی که چنین فکر میکردند در جامعه ایران منفرد بودند و میبایست مقصود خود را پنهان کنند.

مخالف وابسته به امپریالیسم آمریکا مفهوم استیفای حقوق ایران از نفت جنوب را با معنای تجدید نظر در قرارداد ۱۹۳۳، شریک کردن انحصارات نفتی آمریکائی در غارت منابع نفت ایران و افزایش نسبی درآمد ایران تعبیر میکردند. تجسم این تعبیر، قرارداد ایران و کنسرسیوم است، که پس از کودتای ۲۸ مرداد منعقد شد.

نظر مخالف وابسته به امپریالیسم آمریکا به اندازه نظر مخالف انگلیسی مورد نفرت نبود. نه تنها بخش بزرگی از هیئت حاکمه با این نظر موافقت داشت، بلکه قشر قابل ملاحظه‌ای از محافل بورژوازی و روشنفکری هم - درست همان محافلی که در حزب دمکرات قوام السلطنه متمرکز شدند و در سرکوب جنبش توده‌ای فضالانه شرکت کردند - نظرهای آمریکائی را تأیید میکردند، بطوریکه افکار عمومی نسبت به توطئه‌های انحصارات آمریکائی روشن نبود و در برابر آن مقاومت زیادی نشان نمیداد.

افزایش میکنیم که محافل آمریکائی نیز نظر خود را آشکارا بیان نمیکردند. سیاست آنان در عرصه نفت ایران جزئی بود از یک سیاست کلی در مقیاس خاورمیانه. این سیاست کلی عبارت از آن بود که نو استعمار آمریکا، زیر عنوان «مبارزه با کمونیسم»، «دفاع از دمکراسی»، «کمک به گسترش اقتصادی و رفاه ملت‌ها»، جای استعمار کهن انگلیس را بگیرد.

این سیاست در جبهه فئودالها و اشراف و قشر فوقانی بورژوازی که از رشد جنبش توده‌ای و نبرد طبقاتی به وحشت افتاده بودند، زمینه‌ی مساعدی مییافت. دفاع از امپریالیسم آمریکا در این محافل و حتی محافل و سمینار روشنفکری امری هادی تلقی میشد و بسیاری از نویسندگان و سیاستمداران قبیح آنرا درک نمیکردند و آنرا عار نمیدانند. گسترش نفوذ آمریکا در سرتاسر اروپای باختری و آغاز شدن گسترش آن در خاورمیانه با استقبال این محافل روبرو میشد. برخی از روزنامه‌های تهران، بدون دغدغه خاطر و بدون ترس از افکار عمومی، وابستگی ترکیه به آمریکا - که آغاز میشد - میستودند. از توطئه‌های آمریکا در بالکان - بویژه یونان - ابراز مسرت میکردند و در مورد ایران نیز با کمال سادگی توصیه می‌کردند که ایران هر چه بهتر به آمریکا نزدیک شود. هیئت حاکمه درباری که جای خود دارد، محافلی که خود را ملی میدانستند - و تجربه نشان داد که برخی از آنها واقعا ملی‌اند - با اشتیاق باور نکردنی چشم انتظار «کمک‌های آمریکا به ایران» نشسته بودند و ادعا میکردند که تنها نجات ایران از سلطه بیگانه، از جهل، بیماری، فقر و ... دراز کردن دست تکیه بسوی آمریکاست.

تنها سازمان سیاسی، که عمق خطر امپریالیسم آمریکا را درک میکرد و ماهیت درنده آنرا میشناخت و افشا میکرد، حزب توده ایران بود. برای حزب توده ایران «استیفای حقوق ایران از نفت جنوب» بمعنای طرد کامل شرکت نفت انگلیس و در ضمن جلوگیری از جانفشان شدن امپریالیسم آمریکا بود. حزب ما با وجود ضربات سهمگینی که در سال ۲۵ تحمل کرد و با اینکه تقریباً تمام سال ۱۳۴۶ را در نبرد با گروه خلیل ملکی و خنثی کردن خرابکاری انحصار بیون گذرانید، موضوع مبارزه همه‌جانبه با امپریالیسم را از نظر دور نداشت و بلافاصله که از زیر آوار مشت‌ها قد برافراشت مبارزه با شرکت انگلیسی غاصب نفت را در دستور روز گذاشت. یازدهم و زده‌مستان ۱۳۴۷، افشای شرکت غاصب از طرف حزب ما دست گرفت و در بهمن ۱۳۴۷ - همزمان با طرح استیضاح معروف عباس اسکندری در مجلس در موضوع نفت - برای نخستین بار در تاریخ ایران راه پیمائی ضد شرکت غاصب انگلیسی، زیر رهبری حزب توده ایران سازمان یافت. مسیر راهپیمائی از دانشگاه تهران به بهارستان بود. خوشبختانه دانشجویان حزب ایران نیز به این راهپیمائی پیوستند و شمار راهپیمائی عبارت بود از:

«لغو قرارداد ۱۹۳۳ و طرد شرکت غاصب نفت». این شعار در آن زمان قاطع‌ترین شعار ضد امپریالیستی بود همه دیگران چیزی کمتر از این نمیکردند و طرد شرکت غاصب نفت را غیرممکن میدانستند.

توطئه پانزده بهمن و تأثیر آن در آرایش قوا

امپریالیسم انگلیس و متحدینش، از آنجا که افراد کامل خود را احساس میکردند، میدانستند که قادر نخواهند بود مسئله نفت را بسود خود و طبق میل خود حل کنند، مگر در محیط ارباب و ترور. از تابستان ۱۳۴۷، که موضوع نفت حادث شد، محافل وابسته به استعمار انگلیس، زیر نظارت مستقیم وزارت خارجه انگلیس و اینتلیجنت سرویس، به آماده کردن شرایط پرداختند. جناح انگلیسی دربار تکیه گاه اصلی آنها بود. استعمارگران در دو سمت عمل میکردند: نخست اینکه جای خود را در داخل دربار محکم‌تر کرده با شاه وارد معامله میشدند. دوم اینکه به تضعیف حزب توده ایران مهورداختند، تا از هستری ضد کمونیستی برای مرعوب کردن تمام جامعه استفاده کنند. حساب آنان این بود که، در اجرای نقشه ضد حزب توده ایران - برخلاف موضوع نفت - تنها نخواهند بود و محافل امپریالیستی آمریکا و متحدین ایرانی را نیز با خود خواهند داشت.

حادثه ۱۵ بهمن بهانه مناسبی برای اجرای این نقشه بدست داد. حزب توده ایران بلافاصله - حتی قبل از اینکه نام نشان ضارب بدرستی معلوم باشد - مقصود شناخته شد و «انحلال» آن اعلام گردید. و بلافاصله مذاکره نهائی برای استیفای حقوق ایران و حل مسئله نفت در خفا آغاز شد، که حاصل آن قرارداد الحاقی «کس-گلشائیان» است.

بر اثر هجوم وحشیانه پلیس به سازمانهای حزب توده ایران، حزب مجبور شد بخش اعظم انستروزی خود را صرف سازماندهی کار مخفی کند و سازمانهای پنهانی بوجود آورد. حزب برای مدتی از امکانات علنی و انتشار روزنامه علنی - و لوسو تحت عنوان دیگر - محروم شد. تدارک انتشار روزنامه مخفی نیز مدتی بطول میکشید. لذا بلافاصله پس از ۱۵ بهمن کسی نبود که در برابر قرارداد الحاقی، از طرف کامل شرکت نفت دفاع کند.

در این فرصت بود که محافل نزدیک به امپریالیسم آمریکا و از جمله نیروهای ملی که چشم به آسوی داشتند، صفوف خود را متشکلتر کردند و نظریات خود را روشنتر بیان داشتند، دکتر بقائی وکیل مجلس پانزدهم، که پس از ۱۵ بهمن برای مدتی سخنگوی واقعی این قشرها بود، نظر خود را بشکل زیرین در مجلس شورا بیان کرد:

«دولت باید بجای مرافعه درباره ۱۲ یا ۱۶ شلینگ، تجدید قرارداد شرکت نفت ایران و انگلیس را بر اساس شالوده قراردادهای دنیا پسندی که شرکت‌های جدید در خاورمیانه تنظیم کرده‌اند، خواهان بشود. مثلاً دولت باید خواستار شود که این شرکت بر اساس ۵۱ سهم و ۴۹ سهم قرار گیرد.»

منظور بقائی از قراردادهای «دنیا پسند» جدید خاورمیانه قراردادهای امتیازی است که در همان سالها، انحصارات آمریکائی با کشورهای نظیر عربستان سعودی، بر اساس تقسیم باصلاح پنججاء - پنججاء درآمد، منعقد کردند. همان قراردادهای تکیه، بنا به محاسبه اوپک، در واقع تقسیم به نسبت ۶/۰ و ۹۴/۰ بود!

بقائی به نمایندگان مجلس توضیح میداد که انعقاد چنین قراردادی مقدور است، زیرا در داخل و خارج کشور چنان نیروی وجود دارد که میتواند آنرا بکرسی بنشانند. او می‌گفت: «دولت ایران میتواند با تدبیر لازم سهامدار عمده شرکت شود... ولی شرطش اینست که از وضعیت فعلی دنیا استفاده کنیم ...»

آقایان، ترکیه را بروید تاریخشان را ببینید، مگر آنها چکار کردند. اینها همان ترکیهائی هستند که تا چند سال پیش خودتان میدانید چطور بودند، اما حالا دارند اینقدر استفاده میکنند. آخر بروید اینها را یک قدری ملاحظه کنید. در این دایره کوتاه فکر نمائید.»

شاید خواننده خالی‌الذهن امروز نتواند بدرستی منطق بقائی را درک کند. مگر ترکیه چه استفاده‌ای کرده‌اند؟ ترکیه - چنانکه امروز میدانیم - در دوران پس از جنگ دچار انواع بلاها بوده و هست. ولی اگر به آن روزها برگردیم، منظور بقائی را بروشنی درک خواهیم کرد.

در آن زمان، ارتجاع ترکیه، برای جلوگیری از گسترش نفوذ جنبش توده‌ای و حفظ امتیازات خویش، بزرگدامن امپریالیسم آمریکا میخزید. امپریالیسم انگلیس، که قدرت نداشت تا مواضع خود را در ترکیه حفظ کند، رسماً از دولت آمریکا میخواست که جای او را در ترکیه پر کند و مسئولیت واگذاری «کمک» به ترکیه را به عهده گیرد. (۳) ارتجاع ترکیه نیز امپریالیسم تازه نفس آمریکا را با آغوش باز میپذیرفت.

منظور بقائی‌ها آشکارا همین بود که ایران باید به آمریکا بپیوندد و از «کمک‌های» آمریکا هر چه بیشتر بهره‌گیرد و به استکاء آمریکا ... که بدون مشارکتش در نفت ایران حاضر به «کمک» نخواهد بود - در قرارداد نفت ایران و انگلیس تجدید نظر نماید.

در نتیجه داخلی، حساب بقائی‌ها این بود که برای تجدید نظر «دنیا پسندانه» در قرارداد نفت، باید جنبش توده‌ای را کوپید و چاده راهوار کرد. بقائی در باره غیر قانونی شدن حزب توده ایران می‌گفت: «حزب توده ایران غیر قانونی اعلام شد. باید هم بشود! بروید جناب آقای ساعد پیش اعلیحضرت همایونی شرفیاب شوید و بپرسید که من چند وقت قبل از این، این نظر را به ایشان داده بودم. تاریخش را مومن خواهند فرمود!»

... آقایان برای خدا خواهیم می‌کنم موضوع حق آزادی را از حزب توده تفکیک کنید. دستور بدهید تمام توده‌ای‌ها را بکشند، ولی هر کس گفت آزادی، نکوئید توده‌ای است.» (۴) ملاحظه میکنید! زبانش به آسانی میگردد که بگوید همه توده‌ای‌ها را بکشند تا عناصری که خود را به امپریالیسم فروختند و به شهادت تاریخ چیزی جز خیانت به ارتکاب گذاشتند، آزاد باشند!

در آن زمان فقط بقائی نبود که پیشنهاد تجدید قرارداد بر مبنای «دنیا پسندانه» میداد. اکثریت کسانی که یکسال بعد در رهبری جبهه ملی جا گرفتند، چون عقیده‌ای داشتند. برای مثال به عقیده رسمی حائری‌زاده میتوان اشاره کرد که همان زمان پیشنهاد تشکیل «کنسرسیوم بین‌المللی» را میداد. او در مجلس می‌گفت: «باید دولت ایران قانونی بگذراند که سهم نفت ایران صدی چهل و نه باشد و یا بیشتر و یک شرکت بین‌المللی برای استخراج

تمام ثروت تحت‌الارضی ایران تشکیل شده و هیچ ملتی را بر ملت دیگر ربحان ندهد» (۵).

چنین بود نظر اقلیت مجلس پانزدهم، که بعدها نقش حساسی در جبهه ملی ایفا کرد. در خارج از مجلس نیز این عقیده و این استراتژی هواداران جدی و آشکاری داشت. امروز حتی یک نفر جرات نمیکند که خود را مدافع سیاست آمریکامرئی کند. جاسوسان آمریکا باید ماسک ضد امریکائی بزنند. اما آنروز فضای سیاسی ایران بسا امروز تفاوت بسیار داشت. نیروهای مدعی ملی بودن و یا حتی قشری از ملیون واقعی، وابستگی به آمریکا را طبیعی و ضروری میدانستند و میخواستند با «کمک» آمریکا بسر دیکتاتوری سرخ و سیاه (۱) پیروز شوند.

زنده یاد دکتر حسین فاطمی، که در جریان نبرد صادقانه ضد امپریالیستی‌اش تکامل یافت و بسیاری حقایق را درک کرد، آن روزها مینوشت:

«اگر اتا زونی با قدرت بزرگ صنعتی و نظامی که دارد، میتواند مقام شایسته‌ای را بدست بیاورد و تمام نیروی خویش را صرف مبارزه با دیکتاتوری سرخ و سیاه کند، مسلم است افکار عمومی جهان تشنه عدالت و آزادی را بخود جلب خواهد کرد.» (۶)

«از آنطرف آقایان اطلس، از کنار مجسمه آزادی و از وطن «ژرژ واشنگتن» و «فراتکلین» این روزها پیام محبت بگوش ما میرسد.

اتا زونی آمریکاکه با کمک‌های مادی و معنوی گراقتیمت خودش بسیاری از ملت‌های جهان را از مرگ و فنا نجات داده و اروپای ویران و گرسنه را از آغوش کمونیسم بیرون کشیده، امروز می‌رود که مسئولیت بکه مراتب سنگینتری را قبول کند...

«امریکا باید در دهانه آتش‌فشان ما را یاری کند و فراموش نکند که نقش ایران با فیلیپین و کره در این جنگ و در تاریخ تمدن خیلی تفاوت داشته است. هم چنانکه برعکس تبلیغات رادیوهای خارجی، ما این کمک امریکارا جز با احساسات بشر دوستی و عواطف عالی انسانی (!) بپذیرد دیگری تعبیر نمیکنیم.»

در نوشته‌های باختر امروز حتی از واگذاری امنیت داخلی، ایران به امریکائی‌ها ابراز خرسندی میشود.

«نطق ترومن و سایر زمامداران آمریکا راجع به لزوم کمک به ایران انعکاس زیادی در اوضاع سیاسی ایران داشت. بخصوص اشاره زمامداران آمریکا بکمک نظامی به ایران و ذکر اینکه این کمک باید صرف تقویت ژاندارمری ایران، که مأمور حفظ امنیت داخلی است، بشود، در تهران با توجه مخصوص تلقی گردید... محافل آمریکائی با توجه خاصی ناظر تحولات جدیدی که در مورد نفت ایران رخ میدهد، هستند.»

در همین زمان، این گروه از روشنفکران ملی - که در آستانه تشکیل جبهه ملی بودند - نظریات بسیار ستایش آمیزی نسبت به شاه و دربار مطرح میکردند، که در حساب استراتژیک آنها جای داشت. اما در قلب مردم ایران و حساب درست نبرد ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی آن نمیتوانست جایی داشته باشد.

باختر امروز، که همواره نام شاه را با احترام ویژه یاد میکند، از جمله بمناسبت نهمین سال سلطنت او مینویسد: «امروزه نهمین سال سلطنت اعلیحضرت محمد رضا شاه پادشاه جوان و رؤوف و دمکرات ایران آغاز میشود. شاه جوان در یک موقع حساس و مشکل زمام امور کشور را بدست گرفت و اگر ثبات قدم و مقاومت و بیداری شبانه روزی او نبود، طوفان حوادث، تاریخ و ملیت و استقلال وطن ما را در هم می‌پوشید... عشق زایدالوصف او بود که ایران را از غائله آذربایجان، سخت‌ترین مهلکه‌های ایران نجات داد.»

۱) سخنرانی بقائی در جلسه سه‌شنبه چهاردهم تیرماه ۱۳۴۸، نقل از روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، مورخ ۱۵ تیرماه ۱۳۴۸

۲) همانجا

۳) بر این مبنای بود که ترومن رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در ۱۲ مارس ۱۹۴۷، پیامی به کنسره فرستاد و اعلام کرد که انگلستان دیگر قادر به «کمک» به این کشور نیست و آمریکا باید عهده‌دار این کمک شود. همین پیام است که «دکترین ترومن» نامیده شد و اعلام یورش آمریکا در خاورمیانه بود.

۴) سخنرانی بقائی در مجلس شورا، نقل از روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، مورخ بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ (تکیه از ماست)

۵) سخنرانی حائری‌زاده در مجلس شورا، نقل از روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، مورخ ۴ خرداد ماه ۱۳۴۸ (تکیه از ماست)

۶) باختر امروز، سال اول، شماره ۴، مورخ ۱۳ تیرماه ۱۳۴۸ (تکیه از ماست)

۷) باختر بجای باختر امروز، مورخ ۱۰ مرداد ماه ۱۳۴۸ (تکیه از ماست)

۸) باختر بجای باختر امروز، مورخ ۱۸ مرداد ۱۳۴۸ (تکیه از ماست)

۹) باختر بجای باختر امروز، ۲۶ شهریور ۱۳۴۸ (تکیه از ماست)

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بی‌درنگ لغو شود

طرح پیشنهادی حزب کمونیست عراق برای تشکیل جبهه ملی و دمکراتیک عراق

دعوت از نیروهای ملی وتوده‌های مردم عراق (عرب، کرد و اقلیت‌های ملی)

آن سازمان میدهد.

نقش هر حزب در امر هژمونی (سرکردگی) جبهه، به هیچ شرط از قبل تعیین شده‌ای بستگی ندارد، بلکه این به صحت سیاست هر حزب، حس مسئولیت و فداکاری که از خود نشان میدهد و به قدرت و توانائی آن برای بسیج کردن توده‌ها در مبارزه و اعتمادی که مردم به آن حزب پیدا میکنند، بستگی دارد.

طبیعی است که جبهه برای هر يك از احزاب، استقلال ایدئولوژیک و تشکیلاتی و سیاسی و تبلیغاتی تأمین میکند و حق تبلیغات و مبارزه را برای هر حزبی در جهت اهداف دور و نزدیک آن قائل میگردد. انتقاد مثبت که بر مبنای مسئولیت در برابر مردم و منافع اساسی زحمتکشان باشد، عنصر مهمی در تحکیم و تثبیت این اتحاد به شمار میرود. فعالیت مستقل و انتقاد سازنده در چهارچوب این اتحاد به نحو موثری به تحقق اهداف مشترک تمام جبهه‌های جبهه خدمت میکند.

جبهه بر اساس وظایف و تعهدات زیرین مبارزه میکند:
اول - تشکیل دولت ملی و مترقی ائتلافی، که به حقوق مردم و آزادی دمکراتیک معتقد بوده، نماینده تمام نیروها و احزاب سیاسی جبهه است و وظایف زیرین را انجام میدهد:

الف - زدودن تمام مظاهر و آثار سیاست اختناق و ترور و دشمنی با آزادی‌های مردم و حقوق دمکراتیک آنها؛

ب - آزادی کلیه زندانیان و بازداشت شدگان سیاسی، با اجرای عفو عمومی؛

ج - بازگشت کلیه اخراج شدگان و افرادی که تحت پیمکرد سیاسی و ملی قرار داشته‌اند، به سرکار خود، اعم از نظامی و غیر نظامی؛

د - لغو تحریم کلیه تنفرنامه‌ها و التزامات و تعهداتی که اشخاص را به زور و اادار به عدم فعالیت سیاسی یا شرکت در احزاب می‌کند؛

ه - منع بازداشت‌های غیرقانونی و شکنجه بدنی و روانی و سلب تابعیت و توقیف گذرنامه‌ها؛

و - الغای کلیه دادگاه‌ها و کمیته‌های فوق‌العاده و کلیه قوانین و موسساتی که آزادیها را محدود می‌سازد؛

ز - اشاعه دموکراسی در زندگی جامعه؛

ح - آزادی تشکیلات و فعالیت سیاسی برای کلیه احزاب و گروه‌های ملی؛

ط - آزادی تشکیلات سندیکائی و صنفی برای اتحادیه کارگران، انجمن‌های دهقانان، اتحادیه‌های دانشجویان، جوانان، زنان و معلمان و دیگر سازمان‌های صنفی و اجتماعی؛

ی - آزادی مطبوعات، انتشارات، میتینگ‌ها، تظاهرات و اعتصابات و آزادی تشکیل احزاب سیاسی؛

ک - پایان دادن به روشهای استبدادی؛

ل - الغای انحصارطلبی در سلطه سیاسی و ارگانهای دولتی و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی، الغای بعثی‌گرایی، الغای سیاست عربی کردن کردها و دیگر اقلیت‌های ملی و محکوم کردن تبلیغات ملی و مذهبی و طایفه‌ای؛

م - برچیدن «دوران انتقال» و الغای تمام قوانین و نهادهائی که بر انحصار طلبی دولت صحه می‌گذارد؛

ن - گام برداشتن بسوی اوضاع دموکراتیک از طریق تصویب قانون اساسی دموکراتیک برای انتخاب مجلس ملی و موسسان، که قوانین دموکراتیک را بر اساس حق انتخاب عام مستقیم، متساوی و مخفی، با تأمین تمام آزادیهای انتخاباتی برای احزاب ملی و برای رای دهندگان و کاندیداها تأمین میکند.

د - تبدیل ارتش به يك موسسه دموکراتیک که به معنی و تمام مردم ایمان داشته، کلیه گرایشهای انحصارطلبانه، نژادی و طایفه‌ای را از بین ببرد و بکار بردن روشهای تبعیض ملی و طایفه‌ای و نظرات سیاسی در مورد پذیرفتن افراد در موسسات نظامی را محکوم کند، معیار کار آبی و معیشت دوستی را در انتصابات ملاک قرار دهد، کلیه عناصر معیشت دوست و مومن و صدیق اخراجی را به کار در ارتش باز گرداند، توانائی دفاعی ارتش و پرورش افراد آن را با روحیه دشمنی علیه امپریالیسم و عملیه صهیونیسم و ارتجاع در نظر داشته باشد، شهرتانی و سازمان‌آمنیت باید به موسسات دموکراتیک بدل شوند که از آزادیهای مردم و حیثیت آنها و از امنیت کشور پاسداری می‌کنند.

دوم - حل مسئله کرد از طریق احترام به خلق کرد در عراق و حق وی به خودمختاری واقعی در کلیه مناطق اداری، که دارای اکثریت کرداند و محوکلیه آثار ستم ملی و عربی کردن تحمیلی و کوچ‌گری اجباری بر اساس؛

اعلان قانون جدید دموکراتیک برای خودمختاری، که نواقص قوانین خودمختاری کنونی را در نظر بگیرد، بر اساس تأمین شرایطی که در آن خلق کرد امور خود را از طریق انتخاب هیئتهای مقتنه و اجرائی اداره کند؛

ب - برقراری برابری بین عرب و کرد و اقلیت‌های ملی و تأمین نمایندگی عادلانه در هیئت دولت مرکزی؛

ج - تأمین حق خلق کرد و اقلیت‌های ملی در آموزش به زبان ملی خود؛

د - برنامه‌ریزی برای رشد سریع کردستان و غلبه کردن بر تمام مظاهر عقب‌ماندگی و آثار جنگ‌های تیاوژکارانه و سیاست تبعیض بر ضد خلق کرد؛

ه - اهمیت دادن به تحکیم برادری بین عرب و کرد از طریق مبارزه با کلیه مفاهیم و گرایشهای شوینیستی و همچنین کلیه مفاهیم

ناسیونالیستی و مبارزه ایدئولوژیک جهت برقراری برادری و وحدت میهنی بین عرب و کرد و اقلیت‌های ملی و نبردمشترک آنها بر علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع؛

ب - تأمین بر خورنداری اقلیت‌های ملی از حقوق فرهنگی و پیاده کردن آن قوانینی که متضمن این حقوق باشد؛

سوم - دنبال کردن سیاست اقتصادی مترقی، که بر مبنای زیرین استوار است؛

د - برنامه‌ریزی اقتصادی علمی در جهت دفاع و حمایت از دستاوردهائی که بسود توده‌های کارگران و دهقانان و دیگر اقشار مردم کسب شود و گسترش آنها، تأمین استفاده از درآمدهای ملی و بخصوص درآمدهای نفتی جهت برقراری يك اقتصاد ملی مستقل و متعادل، بنحوی که به وابستگی کشور به درآمدهای نفتی پایان دهد و پیوند با بازار سرمایه‌داری جهانی را، که ناسامانیهای آن بر اقتصاد کشور اثر میگذارد، کاهش دهد؛

ه - اتخاذ سیاست مبتنی بر رشد کلیه بخشهای اقتصادی اعم از کشاورزی و صنعتی و بازرگانی و خدمات بفتح توده‌های وسیع مردم؛

و - تأمین شرایط مساوی کار برای کلیه کسانی که قادر بکار هستند، تأمین شرایط کار بطور وسیع برای توده های زنان، محدود کردن نقش بخش خصوصی و بخش مختلط (دولتی - خصوصی) در راه تأمین رشد اقتصادی کشور؛ تحکیم نقش رهبری و سرکردگی بخش دولتی در اقتصاد جهت تأمین شالوده اقتصادی محکم و رشد یافته‌ای که بتواند اساس مادی گذار کشور را به ساختمان سوسیالیسم فراهم آورد؛

ز - اتخاذ سیاست درست مالی بر مبنای پیشگیری از هدر رفتن درآمدهای ملی و تذبذب آن و سمت دادن کلیه درآمدهای مالی بطور عمده بسوی موسسات تولیدی، توزیع عادلانه درآمدها، بنحوی که فاصله عمیق بین درآمدها کشته شود و افزایش هزینه زندگی و گرانی و بحران مسکن و وسایل نقلیه و کمبود مواد ضروری را محدود نماید. چهارم - مشارکت فعال در نبرد ملت عرب بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم؛

ح - مبارزه فمالانه برای درهم شکستن نقشه‌های خطرناک، که نمونه آن قرارداد کمپ دیوید است، درهم شکستن پیمان تجاوزکارانه که بوسیله امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و دارورسته سادات خائن ترتیب داده شده است، با تکیه بر نیروی خلاق توده‌های مردم و آزاد کردن اراضی آنها؛

ط - پشتیبانی از مبارزه عادلانه خلق عرب فلسطین، به رهبری سازمان - آزادیبخش فلسطین، که تنها نماینده قانونی خلق عرب فلسطین است، برای بازگشت به سرزمین خود و حق تعیین سرنوشت خویش و استقرار دولت ملی و مستقل؛

ی - مشارکت مجدانه در جبهه پایداری و مقاومت، پشتیبانی از مبارزه توده‌های عرب بر ضد رژیم‌های مرتجع و وحدت بخشیدن به این مبارزه در چهارچوب جبهه ملی عرب، که کلیه نیروهای آزادی - بخش عرب در آن شرکت دارند؛

ک - کوشش مجدانه در راه وحدت عرب بر اساس ضد امپریالیستی و دموکراتیک، تحکیم نزدیکی بین عراق و سوریه و اعلام مشترک ملی (درباره وحدت سوریه و عراق) تارسیدن به وحدت بین دو کشور؛

ل - پنجم - اتخاذ سیاست خارجی که بمسائل میهنی و ملی خدمت کند، تحکیم صلح جهانی و مشارکت در تحکیم تشنج زدائی، تحکیم و رشد جنبش عدم تمهد بر اساس مبارزه با امپریالیسم و پیمان‌های تجاوزکارانه نظامی، تحکیم مناسبات و همبستگی بسا کشورهای سوسیالیستی و بخصوص اتحاد جماهیر شوروی و رشد این مناسبات تارسیدن به يك هم پیمانی استراتژیک حقیقی، زیرا این یکی از ضمانتهای اساسی پیروزی مبارزه عادلانه ما بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، برای سیر کشور ما در راه پیشرفت و رفاه است.

مفسر رادیو اصطلاح «سوسیال امپریالیسم» را کشف کرده است!

معدودی از مفسرین رادیو، در هفته‌های اخیر، ناگهان اصطلاح جدیدی را «کشف» کرده‌اند. این اصطلاح، که برای بسیاری از دست‌اندرکاران سیاست روز جهان نا آشنا نیست، «سوسیال امپریالیسم شوروی» است. کاشف این اصطلاح، نزدیکترین متحد روز امپریالیسم امریکا، یعنی مائوئیست‌های چین هستند، که از سوی تمام دنباله‌رو-هایشان، از جمله مائوئیست‌های ایران بی‌وقفه بکار میرود و هدف از آن خدشه‌دار کردن چهره واقعی - ترین متحد جهانی امپریالیسم شوروی است. اما اینکه به چه دلیل ناگهان تعدادی از مفسرین رادیو، که نامشان اعلام نمیشود، تا شناسائی نشوند، این اصطلاح را «کشف» کرده‌اند، بساید از گردانندگان و استخدام کنندگان این وسیله هم‌اگر تباطو جمعی پرسید. جعل تاریخ، کینه و رزی با پیشروترین و پیگیرترین نیروهای انقلابی، تبلیغ غیر مستقیم و مستقیم سیاست توسعه طلبانه چین ما، تونده و خنجر بصورت نزدیکترین واقعه‌ترین متحد انقلاب ایران، کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کشیدن - تحریف حقایق و رویدادها و تفسیر آنها بفتح سیاست چین - که سیاست همکاری با امپریالیسم امریکا است - از جمله تلاشهای بی‌وقفه مائوئیست‌های پرآکنده در سطح جهان و از جمله ایران است. و این سیاست طبیعتاً مورد پشتیبانی امپریالیسم امریکا و ضد انقلاب در ایران هم هست. این واقعیت را مردم میدانند. مسئولین و مفسرین رادیو هم باید بدانند.

مسئله اتحاد و جبهه ملی مقام مهمی در تاریخ جنبش آزادیبخش ملی عراق پیدا کرده است. این مسئله همچنان در مرکز توجه و بحث کلیه نیروها و احزاب میهنی و مترقی است و بعلمت طبیعت وظایف میهنی و ملی و اجتماعی، که باید انجام گیرد، می‌باید تمام طبقات و قشرهای اجتماعی ملی و ضد امپریالیستی و سازمان‌های پیشرو این اقشار و طبقات برای حل آن بسیج شوند.

جنبش ملی ما با تجربیات غنی ثابت میکند که راز پیروزی‌ها و دستاوردهای انقلابی مردم ما به هماهنگی و همکاری و هم پیمانی کلیه نیروها و احزاب و کوشش آنها - برای تحقق این اهداف بستگی دارد. همچنین ثابت شده است که پیروزی ضد انقلاب و شکست و عقب نشینی جنبش ملی، همواره بعلمت نبودن اتحاد و وجود تفرقه در بین احزاب و نیروهای ضد امپریالیست و پیش کشیدن تضادها و اختلافات درونی بجای تضاد اساسی که همه با امپریالیسم، استعمار نو و صهیونیسم و ارتجاع دارند، بوده است.

مسئله اتحاد و جبهه همیشه يك امر مهم بوده است، زیرا در سیصد ساله‌های امپریالیستی و صهیونیستی و ارتجاع بر ضد جنبش آزادیبخش عرب همواره استعمار و افزایش می‌یابد. بخصوص توطئه‌هایی که بر ضد خلق عرب فلسطین انجام میشود، هر چه بیشتر ضرورت وحدت کلیه نیروهای ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ضد ارتجاعی را در چهارچوب هر کشور و کل میهن عربی نشان میدهد.

جنبش ملی عراق، که جزئی از جنبش آزادیبخش عرب و جنبش انقلابی جهان است، پس از پیروزی انقلاب ۱۴ جولای ۱۹۵۸، به دستاوردهای مهمی نائل گشته است. این دستاوردها نتیجه مبارزه بی‌گرو و فداکارانه‌ای است که توده‌های مردم ما، اعم از عرب، کرد و سایر اقلیت‌های ملی، به رهبری احزاب و سازمان‌های میهنی و ملی با انجام رسانیده‌اند.

هنوز در برابر جنبش ملی کشور ما وظایف بزرگ میهنی و ملی و اجتماعی قرار دارد که باید تحقق یابد. این امر مستلزم بسیج و کوشش کلیه نیروهای مردم و احزاب و سازمان‌های میهنی و ملی و مترقی بدون تبعیض و بدون کمپها دادن به یکی از آنها است، زیرا هیچ حزبی نمیتواند در شرایط کنونی کشور ما به تنهایی به تحقق وظایفی که ما با آن روبرو هستیم، توفیق یابد و آرزوهای مردم عراق را بخصوص در برقراری رژیم دموکراتیک در کشور، خودمختاری در کردستان، ایجاد تحولات اجتماعی ژرف، مشارکت فعال در نبرد ملی بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم، آزاد کردن سرزمینهای اشغال شده عرب از طرف صهیونیستها، یاری رساندن به خلق مبارز عرب فلسطینی برای بازگشت به سرزمین خود و حق تعیین سرنوشت خود و برقراری دولت ملی و مستقل و گام برداشتن بسوی وحدت عرب بر اساس دموکراتیک و مبارزه قاطعانه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع بر آورده سازد.

علیرغم کوششهای بزرگ و مبارزات فداکارانه توده‌های مردم ما و در رأس آنها کلیه احزاب ملی و نیروهای انقلابی راستین، هنوز کشور ما در يك وضع بحران سیاسی و اجتماعی قرار دارد. مظاهر این بحران عبارت است از انحصار سلطه سیاسی و ارگانهای دولتی از طرف يك حزب، اعمال ترور بر توده‌های مردم و کلیه نیروها و سازمان‌های ملی، نقض حقوق و آزادیهای دموکراتیک، وضع شدیدترین قوانین که بر این انحصار طلبی و ترور صحه می‌گذارد، تشکیل دادگاه‌ها و هیئتهای بازپرسی فوق‌العاده، که ابتدائیترین حقوق انسانی را رعایت نمیکند، استمرار در سیاست ستم ملی و عربی کردن تحمیلی، کوچ دادن خلق کرد و جلوگیری از حق خودمختاری خلق کرد و دنبال کردن سیاست تبعیض مذهبی و طایفه‌ای بر ضد توده‌های وسیعی از مردم کشور ما.

یکی دیگر از نمونه‌های این بحران، که اکثریت مردم ما با آن روبرو هستند، بحران معیشتی، مسکن، کمبود وسائل نقلیه و خدمات است، که علیرغم درآمدهای کلان کشور، بدون آنکه مردم هیچ نظارتی بر نحوه خرج آن داشته باشند، زندگی مردم کشور ما را روز بروز بشکل فزاینده‌ای طاقت فرساتر میسازد.

یکی دیگر از نمونه‌های بحران کنونی عقب نشینی دولت عراق در زمینه سیاست خارجی است. گرایش‌های همبستگی با ارتجاع عرب - با پشتوانه امپریالیسم - افزایش پیدا کرده است و گامهای برداشته شده بر ضد تحولات انقلابی و رژیم‌های مترقی در منطقه است. نمونه آن موضع گیری این رژیم در برابر انقلاب افغانستان، پشتیبانی تا آخرین لحظات از رژیم شاه و دشمنی با انقلاب ایران، کوشش برای ایجاد مشکلات در برابر انقلاب ایران، تحریم جبهه پایداری و مقاومت (کشورهای مترقی عربی) و کوشش برای عقیم ماندن آن، دشمنی آشکار با جمهوری دموکراتیک خلق یمن و جبهه ملی دموکراتیک در یمن شمالی، کوشش برای عمیقتر کردن اختلافات در درون جنبش آزادیبخش عرب، تضعیف سازمان آزادیبخش فلسطین، تحریم کنگره مردم عرب و دشمنی با جنبش انقلابی در برخی از کشورهای عربی و کشورهای منطقه است.

حل این بحران، بفتح توده‌های مردم و بفتح رشد مترقی کشور، مستلزم تشکیل جبهه ملی و دموکراتیک متشکل از کلیه احزاب و سازمان‌ها و نیروهای ملی ضد امپریالیسم و مومن به دمکراسی و همچنین تشکیل دولت ائتلاف دموکراتیک با شرکت نمایندگان کلیه اعضای جبهه است، که بر نامه اعلان شده از طرف جبهه، که حاوی وظایف کنونی و مهم روز است، مورد قبول آنها باشد. امکان دارد که این هدفها در جریان همکاری مشترک و بسته به اوضاع و احوال مبارزه و آمادگی هر يك از نیروهای جبهه، برای امر پیشرفت در راه اتحاد و تثبیت مبارزه مشترک بخاطر رفاه مردم تکمیل گردد. جبهه ملی، رهبری مشترک مبارزه مردم را در راه تحقق اهداف



بقیه از صفحه ۱ اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت استتوار روابط سیاسی بین ایران و کوبا

و در راس آنها امپریالیست‌های جهان‌نخوار آمریکائی که تازه لباس خنده و فریب «حقوق بشر» را به تن کرده بودند، فقط برای یک مقصود کوره آدم سوزی سینما رکس را برپا کردند، آنها بیش از هزار نفر، از مردم ستم‌دیده ایران را به ذغال تبدیل کردند تا با انداختن مسئولیت این فاجعه جنسایتکارانه بدوش مبارزان ضد امپریالیسم، ضد رژیم شاه مخلوع، بین صفوف متحد خلق قتل‌خیز بیاندازند.

سال پیش در چنین روزی، صف میلیونی تودها، مشت‌واحدی شده بود که در کار فروپاشی نظام سلطنتی وابسته بود. تهاراه نجات رژیم جنایتکار شاه مخلوع جدا کردن صفوف مردم بود، برای رسیدن به چنین هدفی، نقشه آتش زدن سینما رکس اجرا شد و بلافاصله، درست در همان هنگام که بلندگوهای رژیم قصد بهره‌برداری از آن را داشتند، صدای ضجه زنانی که شوهرانشان در آتش ذغال شده بودند و بانگ‌گریه مادران فرزند از دست داده، از فضای طوفانی ایران گذر کرد و به خشم و سرود تبدیل شد. خشمی که صف‌ها را متحدتر میکرد و سرودی که پیروزی را نوید میداد.

نیروهای خلقی، از جمله حزب توده ایران، در نشریه نوید این جنایت شاه مخلوع را فاش کردند و مردم را به اتحاد عمل بیشتر خواندند. اتحاد عمل نیروها، آنچنانکه تجربه تاریخ بارها و بارها به اثبات رسانده، بسیار زود ثمر داد و چند ماه بعد رژیم ضد خلقی را سرگون کرد.

هموطنان! اکنون، یک سال بعد از جنایت سینما رکس آبادان، ما در ایران آزاد با شماسخن میگوئیم، ایرانی که سلطنت را به خاک سپرد و رژیم آدمکش شاه مخلوع را سرنگون کرد، اما هنوز با خطر روبرو است. یک لحظه هم این خطر را نباید فراموش کرد. این خطر امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم امریکاست. که تا وقتی کاملاً از ایران ریشه‌کن نشده همواره ایران را تهدید میکند.

هموطنان! اکنون، امپریالیسم با تمام قوا فعالیت دارد. لذا هنوز هم، مانند یک سال پیش، اتحاد نیروها تهاراه مقابله با امپریالیسم و نابودی آن است. امپریالیسم میکوشد با انواع حیلها و جنایات و حتی جنایاتی موهن تر از سینما رکس آبادان، نیروها را بهم بدین کند و بین آنها تفرقه بیاندازد. تهاراه مقابله با این نقشه شیطانی اتحاد همه نیروها در جبهه متحد خلق است. در روزی که یاد شهیدان سینما رکس را گرامی میداریم، در حالیکه تاسف عمیق خود را از اینکه مسیبان این فاجعه هنوز دستگیر نشده و به مجازات نرسیده‌اند، ابراز میداریم و خواهان پی‌گیری پرونده این جنایت فحیح و مجازات عاملان آن هستیم. در حالیکه در آندوه بازماندگان این قربانیان بیگناه رژیم آدمکش شاه مخلوع شریکیم، در برابر آن گروه عظیم زنی مرد و پسر جوان و کودک، که در آتشی که امپریالیسم بر آفریخته بود، سوختند، پیمان میبندیم که با وحدت نیروها در جبهه متحد خلق، تا نابودی امپریالیسم نبرد را ادامه دهیم و از پای نشتیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸ مرداد ۲۶

پیام فیدل کاسترو به امام خمینی بمناسبت استتوار روابط سیاسی بین ایران و کوبا

فیدل کاسترو، رئیس شورای دولتی و نخست‌وزیر کوبا
بمناسبت استتوار روابط سیاسی بین ایران و کوبا تلگرامی
برای امام خمینی فرستاده است.
خبرگزاری پارس متن این تلگرام را به این صورت
منتشر کرده است،

«آیت‌الله‌العظمی امام خمینی
احتراماً اجازه میخوانم بدنام ملت و دولت جمهوری
کوبا عمیق‌ترین مسرت خاطر خود را بمناسبت استتوارمجدد
روابط سیاسی بین دو کشور اعلام دارم. مطمئناً این کارحاکمی
از استقلال و حاکمیت ایران است که ره‌آورد انقلاب میباشد
و روابط دوستانه و برادری بین دو ملت که مبارزه سختی
را علیه امپریالیسم - استعمار - استعمار نو - صهیونیسم و
آپارتاید ریش گرفته‌اند کمک کرده و آنرا استوارتر میسازد.
موقع را برای تأیید هیئت اعزامی شما به‌ششمین کنفرانس
کشورهای غیرمتعهد معتقد میشمارد.

با تقدیم عالیترین احترامات
فیدل کاسترو - رئیس شورای دولتی و نخست‌وزیر کوبا،

عناصر مشکوک و مائوئیست‌ها به اسم توده‌ای‌ها خرابکاری میکنند!

چندی پیش خبری در «مردم» درج شد، مبنی
بر اینکه عناصر مشکوک، بنام توده‌ای، دهقانان را به
سوزاندن خرمن‌ها تهدید میکنند. خبر زیر نشان میدهد
که این توطئه سازمان یافته است و در نقاط مختلف
کشور انجام میگردد.

هفته پیش، ۳ جوان شیک پوش
را در کردستان دستگیر کردند.
آنها بایک اتومبیل شیک به یکی
از روستاهای این استان رفتند و
به روستائیان نشان دادند که قصد
دارند خرمن‌ها را آتش بزنند و
در دم خرابکاری کنند. روستائیان
بلافاصله دست بکار شدند و با کمک
مامورین، ۳ جوان شیک پوش را
دستگیر کردند و سرگرم بازجویی
از آنها شدند. جوانها خیلی
خونسرد به بازجویی جواب دادند
و گفتند:

«ما برای آتش زدن خرمن‌ها
و خرابکاری در ده به اینجا آمده‌ایم.»
مامورین که از این اعتراف
صریح تعجب کرده بودند، از آنها
پرسیدند، از طرف چه کسی این
ماموریت را دارند؟ جوانها هم

جواب دادند:

«ما توده‌ای هستیم و بدستور
حزب توده ایران اینکار را میکنیم»
چند روستائی، که شاهد ماجرا
بودند، اعتراض کردند و گفتند:

«شماردروغ میگوئید، توده‌ای‌ها
خرابکار نیستند. چند نفر از آنها
یک هفته اینجا بودند و به ما با ندادند
یک سال کمک کردند.»

جوانها که دیدند، به کاهدان
زده‌اند، شروع به رفس و رجوع
ماجرای کردند، اما روستائیان دست
بردار نبودند و به تحقیق ادامه
دادند. نتیجه تحقیق این بود که

آقایان عضو یکی از گروهکهای
مائوئیستی هستند و ماموریت داشته
اند که همه جا به اسم توده‌ای‌ها دست
به خرابکاری بزنند، ولی هوشیاری
مردم آنها را لو داده است.

هفته پیش، ۳ جوان شیک پوش
را در کردستان دستگیر کردند.
آنها بایک اتومبیل شیک به یکی
از روستاهای این استان رفتند و
به روستائیان نشان دادند که قصد
دارند خرمن‌ها را آتش بزنند و
در دم خرابکاری کنند. روستائیان
بلافاصله دست بکار شدند و با کمک
مامورین، ۳ جوان شیک پوش را
دستگیر کردند و سرگرم بازجویی
از آنها شدند. جوانها خیلی
خونسرد به بازجویی جواب دادند
و گفتند:

«ما برای آتش زدن خرمن‌ها
و خرابکاری در ده به اینجا آمده‌ایم.»
مامورین که از این اعتراف
صریح تعجب کرده بودند، از آنها
پرسیدند، از طرف چه کسی این
ماموریت را دارند؟ جوانها هم

زندان آزاد گردیدیم .
از دادستان محترم کل انقلاب اسلامی ایران تقاضا دارم
نسبت به شکایت اینجانب رسیدگی فوری نموده و سروران شفیعی و
امیر تیموری و سایر مأمورین، که در پرونده سازی، شکنجه و آزار و
محکوم کردن اینجانب دخالت داشته‌اند، احضار و برابر قانون عدل
اسلامی محاکمه و بسزای اعمال جنایتکارانه‌شان برسانند . پرونده
امر در ساواک منحلّه قصر شیرین - تهران و به اصطلاح در دادرسی
ارتش‌رأی شماره ۵۱۸-۱۷/۱۷-۱۳۵۰ دادگاه تجدید نظر شماره ۱
تهران موجود است.»

ع.م.ت. خواننده عزیز، همراه نامه خود در قه کوچکی را
که با ما شین تحریر تایپ شده و بختیار خائن را «رهبر واقعی ملت
ایران» و «نماینده سوسیال دموکراسی» خوانده، برای «مردم» فرستاده
و چنین مینویسد:

«چهارشنبه ۱۰ مرداد ماه ۱۳۵۸، به یکی از دوستان، در
نزدیکی کانون کلاهی دادگستری، برخوردیم. اطلاع داد صبح که از خانه
بیرون آمده و بسراغ اتومبیلش رفته است. یک پلاک مخصوص چسبانند
به شیشه اتومبیل می‌بیند، که روی شیشه اتومبیل الصاق شده در
حمایت از «شاهپور بختیار»، این مهره کثیف و مزدور امپریالیسم
با امضای گروهی بنام «گروه سدا». در محل کوچه نیک، خیابان
مبارزان (روزولت سابق)، نیز روی اتومبیل‌ها چنین ورقه‌ای را
الصاق کرده بودند. بادوستم به خانه‌اش رفت و پلاک مزبور را، که در
خانه‌اش گذاشته بود، گرفت و به ضمیمه این نامه ارسال میدارم، که
خود افشاکر یکی از انواع توطئه‌های ضدانقلاب و بقایای رژیم
منفور سابق است، که توسط «سما» و دیگر سازمانهای جاسوسی سازمان
داده شده. متأسفانه سیاست مماشات و بی تفاوتی مقامات دولتی در
مقابله با ضد انقلاب، خطر روزافزون ناشی از فعالیت «ضدانقلاب» را
توسعه داده است، بطوریکه ادامه این روند کنونی عواقب سیاه و تاریکی
خواهد داشت. تنها با فشاری بر روی تشکیل «جبهه متحد خلق» و اخذ
نتیجه مثبتی از این پافشاری، مقابله با «ضدانقلاب» امکان پذیر است.»
ع.م.ج. بریده دوروزنامه را در باره مسکن و کرایه خانه
فتو کپی کرده و برای «مردم» فرستاده و در نامه خود مینویسد:
«دوستور متقاضی برای «کاهش» کرایه خانه و پرداخت «مرتب
و کامل» اجاره بهای ساختمانهای استیجاری به فاصله ۲۴ ساعت از
نخست‌وزیری صادر شده است. اجحاف و فساد به قشر مستضعفین ادامه دارد.

یکی از دوستان گرامی ما بنام مجید، در نامه خود چنین
مینویسد:

«باز آقای مهدی بازرگان بسبک سی سال پیش در مورد «توده
نفی» مطالبی عنوان کرد. تقسیم بندی ایشان از من احسین و دشمنان
انقلاب، غیر علمی ترین تقسیم بندی ممکن است. بعلاوه ناسیاسی ایشان
را از جنبی که سالیان دراز با هر نوع ظلمی مبارزه کرده است،
میرساند، چا دارد در پاسخ بایشان فتو کپی یا رونویس مقالات
متمددی را که روزنامه مردم در حمایت از «نهضت آزادی» و شخص
ایشان منتشر کرده است، بایشان بفرستید. شاید منتهی به تغییر
نظریه خلاف ایشان گردد و نشان دهد که حزب توده ایران از اصول
مدافعه میکند و یک حزب غیر اصولی نیست. من که خود دوره‌های
گذشته «مردم» را بادشواری جمع آوری کرده و نگاه داشته‌ام، دیر روز
که بخاطر مطلب دیگری آنها را اورق میزد، به مقاله‌های زیر
برخوردم که عنوانش را مینویسم:

۱- مقاله «زندانیان نهضت آزادی ایران را آزاد کنید.»

شماره ۶۹ مورخ ۴۲/۸/۱۵، روزنامه مردم.

۲- مقاله «جنبش همبستگی برای آزادی رهبران نهضت
آزادی ایران گسترش می‌یابد»، شماره ۷۰، مورخ ۴۲/۹/۱
روزنامه مردم.

۳- مقاله «سران نهضت آزادی ایران باید آزاد شوند»،
شماره ۷۲، مورخ ۴۲/۱۰/۱، روزنامه مردم.

۴- مقاله «محکومیت رهبران جمعیت نهضت آزادی ایران
را محکوم میکنیم»، شماره ۷۵، مورخ ۴۲/۱۱/۱۵، روزنامه مردم.

پیشنهاد میکنم اینکار را بکنید تا ایشان ببینند و بدانند اگر
حزب توده ایران در مقام انتقاد سازنده از اعمال دولت ایشان است،
صرفاً مصالح کشور را در نظر دارد، همانطور که در نوشتن مقاله‌های
فوق همین مصالح را در نظر داشت.

با تشکر از دوست گرامی مجید، میتوان گفت که همین
زحمتی که ایشان کشیده و عنوان مقالات را فرستاده‌اند، کاملاً کافی
است. زیرا هر کس جويا باشد، میتواند آنها را پیدا کند و این نامه
با این همه مثال مشخص، گویای واقعیت است. منتهی لازم است
که خواستار دیدن واقعیت هم بود و چشم بر حقیقت نیست.
حسین.د. در نامه خود به اوضاع کردستان نظر دارد.

وی منجمه مینویسد:

«نظری به آنچه در کردستان میگردد، برای هر مین پستی
واقفاً تأسف آوراست. از طرفی غفلت مسئولان دولت نسبت به عواقب
سهل انگاری در حل مسائل ریشه‌های در آن استان، و از طرف دیگر
تحریکات و شرکت برخی فئودالزادگان خیالپرست یا جامطلب در
یک توطئه تضعیف رهبری انقلاب، بعنوان طرفداران «خلق کرده»،
یا با تصورات مائوئیستی ایجاد پایگاه دهقانی!

اولا اگر کسی مطبوعات دوسه سال اخیر، مخصوصاً اواخر

۵۷ را اورق بزند، می‌بیند که بلااستثناء در سراسر ایران، برخورد
بین زارع و مالک هست، که ناشی از «اصلاحات نیم بند» شاه سابق
است، بخصوص که در مناطقی مانند آذربایجان غربی و کردستان همان
اصلاحات نیم بند هم انجام نشده بود و شاه سابق بنوعی باج به
فئودالهای شمالی و غرب کشور داد.

حالا دولت باید بایک قدم قاطع زمین را بلاعوض به کسانی
واگذار کند که روی آن کشت میکنند. مسائل رفاهی در لحظه
فعلی انگیزه قیام نیست تا بقول آیت‌الله لاهوتی، دادن پول به
منطقه کردستان جنبه ضدانگیز داشته باشد، مساله فوری زمین است.

ثانیاً به جوانان پر شور بنام «انقلابی» یا جوئی نام، که خود
را «مارکسیست لنینیست» میدانند، باید گفت که در جامعه فعلی
ایران، نمیتوان گول «فتوالت‌های مترقی» را خورد و باید به طبقه
کارگر و زحمتکشانش تکیه کرد.

اما سر نخ قضیه بجای دیگر هم بنداست. روایت میکنند که

اردشیر زاهدی و پالیزبان در ترکیه و عراق نشسته‌اند و کلاشینکوف
غارتی اسرائیل از ارتش مصر را با ضافه پول و طرح بداخله ایران
میفرستند. پرواضح است که «طرفداران خلق» فعلاً کاربرد توپخانه
و بازو و کاموشک انداز را بلد نیستند. این گاردیهای فراری هستند
که در کوهها «پایگاه دهقانی سرخ» برقرار کرده‌اند و شیوخ ساواکی
را که تا بحال با پول «واقف و نخست‌وزیری» اداره میشدند، در نقش
عوام‌فریبانه در برابر امام خمینی علم کرده‌اند. مسلماً جوانان عزیز
کرد عمق توطئه را درمی‌یابند.»

آقای باباخانی نامه خود را به دادگاه انقلاب اسلامی ایران،
جهت اطلاع و درج برای «مردم» فرستاده است. وی منجمه چنین مینویسد:
«محترم‌ترین جناب مرتضی باباخانی، در مردادماه ۱۳۴۹،
بوسیله سروران شفیعی و امیر تیموری رئیس و معاون سازمان «اطلاعات
و امنیت» قصر شیرین، در منزل خود، به اتهامی که از پایه و اساس
کذب محض بوده، دستگیر و به ساواک کرمانشاه و سپس به تهران اعزام
شدم و پس از ماهها زجر و شکنجه توسط مأمورین ساواک منجمه در
اوین، در به اصطلاح دادرسی ارتش مرا به اعدام سپس حبس ابد
محکوم کردند. پس از هفت سال و چند ماه حبس در زندانهای اوین،
قصر و مشهد، در اثر مبارزات بیکی ملت قهرمان ایران و رهبری
قاطع آیت‌الله خمینی، رژیم گذشته مجبور به آزادی گروهی از زندانیان
سیاسی شده و من بدین ترتیب بادست یر توان خلق قهرمان ایران از

هزاران خانه خالی در سطح کشور بعلت فرار سران و اطرافیان
رژیم طاغوتی و خارجیان خالی شده است.

طبق آمار انتشار یافته از طرف شهرداری، در سال گذشته
چندین هزار خانه خالی وجود داشت. مضافاً به اینکه در شهرک اکباتان
و فرحزاد و نقاط دیگر تهران و شهرستانها خانه‌های متعددی اخیراً
احداث شده، که بلااستفاده مانده‌اند.

آیا این همه خانه‌های خالی برای چپاولگران، سرمایه
داران وابسته، فراریان طاغوتی نگهداری میشود؛ استدلال دولت
در این مورد چیست؟ استفاده مستضعفین از خانه‌های خالی که دیگر نقر زدن
نیست و صبر انقلابی نمی‌خواهد. عکس آن ضدانقلابی و چوب گذاشتن
لای چرخ انقلاب است، ناراضی تراشی، آب ریختن به آسیاب ضد
انقلاب است. لازم به یاد آوری است که در رژیم گذشته یکی از علل
اساسی ناراضی تودها مشکل بزرگ مسکن بود که این ناراضی با
صدور دستورهای ضد توقیف بدرجه حد رسیده است و با هوشیاری که
مردم امروز دارند، خالی ماندن این همه خانه‌های خالی در سطح
کشور برای هیچ کس قابل هضم نیست.»

باز هم اشعار زیادی بدقت «مردم» رسیده است که همه
در یک سطح نیستند و مسائل مختلفی را هم در نظر دارند. پاشاکی
در شعر خود «پاکترین حزب»، منجمه میگوید که «آفتاب هیچ زمان
زیر سیاهی دهشتناک نخواهد بود». بازم در باره حزب توده ایران
نوراله ق. شعر بلند و پر مضمونی فرستاده و در آن حزب طبقه کارگر را
که «با اراده آهنین، با گام استوار/ خسته ناپذیر، با عشق بخلسق
در قلب، و بسا دلیل و حساب» فعالیت میکند ستوده است. فروغ
«تبلور آرمان خلق، سوخته صورت کارگر جنوب و دست ینه بسته
کشتکاریر» را مضمون شعر خود قرار داده است. دوستی شعری را
برای ما فرستاده که حدس میزند یکی از رفقای افسر توده‌ای قبل از
کودتا سروده است، منجمه با این ابیات «خائف و ناتوان همچو
رهزن، در دره ماکین کرده دشمن/ راه ما بستن کی تواند، خلق را
وایس کی نشاند». از رامس ف.م. شعری زیر عنوان «کارگر» فرستاده
در تجلیل از نقش طبقه کارگر در انقلاب ضد امپریالیستی. فریاد
آشنا نام مستعار شعری است که سروده خود را بجزش تقدیم کرده،
منجمه با این ابیات «ای توده‌ای بکوب، چون توده‌ای بکوب/ بر فرق
خشم خلق، با گرزایدات». با تشکر از همه دوستان.

کارگران مرغداری جاده کرج مشمول قانون کار نیستند

عده ای از کارگران مرغداریها و دامدارها نامه ای به وزارت کار و برخی از روزنامه ها و از جمله روزنامه مردم ارسال داشته و از اینکه قانون کار در مورد آنان هنوز اجرا نمیشود، اعتراض کرده اند. متن نامه چنین است: «با اینکه از سال ۱۳۴۸ طبق تصویب نامه وزارت کار امور اجتماعی، قوانین کارحاکم در موسسات مرغداری و دامپروری مطابق قوانین کارگری کشور است، هنوز در اکثر قریب به اتفاق این موسسات هیچک از قوانین کار موجود اجرا نمیشود و روابط غیر انسانی بر آنها حاکم است. اختلافات کارگری اکثرأ در ژاندارمری و اخیرأ در کمیته های منطقه حل و فصل میشود.

در این موسسات، تعیین دستمزد، ساعات کار، تعطیلات رسمی، هفتگی، سالیانه، وجود ندارد و از بهداشت، بیمه و مسکن خبری نیست. ورود کارگران خارجی (مخصوصاً افغانی) در سالهای گذشته به کشور و آمادگی آنها برای کار دشوار غیر انسانی به ناسامانی های روابط کارگری در این موسسات بیشتر دامن زده است.

با وجودیکه کارگران افغانی باید کشور را ترک نمیکردند، صاحبان مرغداریها و دامدارها بصرای استثمار بهتر و بیشتر آنها را نگه داشته اند.

وزارت کار باید با پیگیری اجرای قوانین کار و تغییر شرایط غیر انسانی کار را در این موسسات تضمین و خواسته های مبرم و قانونی زیر را هر چه زودتر تأمین کند:

- ۱- تعیین ۸ ساعت کار در روز (ساعات بیشتر اضافه کار محسوب شود)
- ۲- انجام تعطیلات هفتگی، رسمی و سالیانه (در صورت لزوم کار، اضافه کار پرداخت شود)
- ۳- اجرای بیمه های بهداشتی و اجتماعی کارگران و پذیرفتن سوابق کار آنها.

- ۴- رسیدگی به بهداشت کارگاه و مسکن غیر انسانی آنها.
 - ۵- پرداخت حداقل دستمزد تعیین شده و اضافه حقوق سالیانه.
 - ۶- جلوگیری از اخراج بیه دلیل و بی رویه کارگران که حق خود را مطالبه میکنند.
- گروهی از کارگران مرغداری جاده کرج
۵۸/۵/۲۲

مسکو، پایتخت اتحاد شوروی-مهماندار شرکت کنندگان المپیا جهانی در سال آینده

المپیا جهانی، در تابستان سال آینده، در مسکو، پایتخت اتحاد شوروی، برگزار خواهد شد. در این دوره مسابقات جهانی ورزش تیمها و گروه های ورزشی متجاوز از ۹۰ کشور جهان شرکت خواهند نمود. به استقبال المپیا جهانی، در ماه ژوئیه سال جاری، مسابقات ورزشی قهرمانی جهانی در مسکو برگزار گردید. سرگی یاولوف، رئیس کمیته ورزش و تربیت بدنی اتحاد شوروی، طی مصاحبه مطبوعاتی، درباره تدارکاتی که جهت برگزاری المپیا سال ۸۰ در مسکو انجام میگردد و در مورد مسابقات قهرمانی جهانی ماه ژوئیه امسال، که در مسکو برگزار گردید، اظهار داشت:

در مسابقات قهرمانی جهانی ژوئیه سال جاری، که بمثابة تدارک مقدماتی برای مسابقات المپیا سال آینده است، علاوه بر دو هزار نفر ورزشکاران اتحاد شوروی، تیم های ورزشی متجاوز از ۸۰ کشور جهان شرکت نمودند.

سرگی یاولوف خاطر نشان نمود: «امور ورزشی و تربیت بدنی در اتحاد شوروی مسورد توجه سازمان های دولتی و اجتماعی کشور است، زیرا این امور با سلامت و تندرستی افراد جامعه ارتباط مستقیم دارد. در اتحاد شوروی مسئله ورزش از امور عادی و همگانی تمامی افراد جامعه است و از جانب دولت همه گونه امکانات در اختیار آنان گذارده میشود. جهت استفاده از ورزش بصورت همگانی از جانب افراد جامعه، شبکه تاسیسات ورزشی گسترده ای در کشور ایجاد

سندیکای کارگری نورد ایران رسمیت یافت

در مورد تشکیل سندیکای کارگری نورد ایران از گروه صنعتی ایسرا، روز سه شنبه ۵۸/۵/۱۶، تعداد ۱۵۰ نفر از کارکنان کارخانه، جهت تعیین نماینده واقعی سندیکای خودشان در سالن غذاخوری مهندسی جمع شدند. پس از معرفی نماینده اداره کار و سخنان کوتاهی که از طرف ایشان ایراد شد، رسمی بودن جلسه و مقررات جلسه و انتخاب رئیس هیئت مدیره اعلام شد. یکی از کارگران کانیدا، سخنانی در مورد سندیکا و انتخاب نمایندگان واقعی و وجود نارسائی های بسیار در امور کار و رفاه کارگر و ضرورت اتحاد تمام کارگران در اتحادیه های کارگری بیان داشت و اضافه نمود که تشکل کارگران میتواند ضمانت حفظ و مدافع منافع آنها باشد. در پایان، با نظارت نماینده اداره کار و کارگران، انتخابات شروع شد و پنج نفر بعنوان هیئت مدیره ۲ نفر اعضای علی البدل و ۳ نفر بازرسی انتخاب شدند.

این انتخابات توسط نماینده اداره کار تأیید شد و سندیکای رسمی قانونی پیدا کرد.

چرا به کارگران بیکار رشته ساختمان وام کارگری پرداخت نمیشود؟

در روز ۵۸/۵/۷ کارگری بیکار بنیال محل پرداخت وام های کارگری میگفت. او به یکی از شعبه های دریافت وام کارگری (شعبه ۳ تأمین اجتماعی) واقع در میدان شوش مراجعه کرد. در بالای سر کارمندی که مسئول پرداخت وام بود، نوشته شده بود: «طبق ضوابط تعیین شده به کارگران ساختمانی وام کارگری داده نمیشود» و بدینسان از پرداخت وام به کارگر فوق خودداری نمود.

شرکت اکباتان وسوء استفاده طاغوتیان از این شرکت

شرکت اکباتان در زمان پهلوی لانه ای برای مفتخواری اقلیتی بود که با هزار بندمرئی و نامرئی به دربار وابسته بودند، که خوشبختانه به برکت انقلاب ایران، بساط آنان برچیده شد. کارکنان این شرکت با اتحاد و همبستگی خویش موفق شده اند بخشی از حقوق خود را تحقق بخشند. از آنجمله اعتصاب و تحصن اسفند ماه کارکنان بود که در نتیجه آن اکثریت خواستهای آنان عملی شد و همچنین اعتصاب اخیر حدود اردیبهشت ماه بود، که باز کارگران موفق به گرفتن یک سال عیدی عقب افتاده خود شدند.

در زمان قهل از انقلاب، پیمانکاران و واسطه ها متحد امکان استفاده نامشروع میکردند. مثلاً یک پیمانکار کاری را پیمانی بدست میگرفت و آن را به پیمانکار دیگر واوهم به پیمانکار سوم میداد، تا جاییکه مثلاً از یک متر نازک کاری داخل ساختمان، پیمانکار اولی ۲۵ تومان و پیمانکار آخری ۷ تومان دریافت میکرد. با اینکه این پیمانکارها انواع ماشین آلات سنگین و وسایل ساختمانی مانند آسانسور و غیره را، بدون در نظر گرفتن قابلیت مصرفی آنها، سفارش میدادند و در این مورد اشکالات جدی بوجود میآوردند. یا بعضی مدیران، بغیر از حقوق خودشان، ماهی فقط بیست هزار تومان حق مشاوره با پیمانکاران از شرکت دریافت میکردند که طبیعتاً بار تمام این غارتگریها بردوش کارگران بود.

بعد از انقلاب، کارگران آقای اسدی، نماینده واقعی خود را انتخاب نمودند و کارکنان، شورای کارخانه را ۱۷ نفر تشکیل دادند که هر قسمت نماینده خود را به این شورا گسیل داشته است. از جمله اقدامات شورا عبارتست از:

- ۱- تصفیه کارخانه از مدیران وابسته و تمام خارجیها
 - ۲- کوتاه کردن دست تعداد زیادی از پیمانکاران (و نه همه، زیرا اگر همه پیمانکاران اخراج میشدند، بعضی قسمتهای کارخانه تعطیل میشد)
 - ۳- تقلیل حداکثر حقوق تا ۱۵ هزار تومان.
- این شورا تصمیم دارد بزودی نشریه ای به نام اکباتان منتشر کند، که در آن تمام فعالیتهای شورا منعکس است.

ده روز حقوق برای هر ماه تعطیل

عده ای از کارگران شرکت ساختمانی واقع در حسین آباد قصرالدشت شیراز، برای دریافت معادل ۱۰ روز حقوق برای هر ماه تعطیل شرکت، که رویه مرفته ۶ ماه میشود، گرد آمده اند. یکی از کارگران میگوید:

رئیس اداره کار طرف کارگران نیست، اکثریت کارگران این شرکت موفق به دریافت این مبلغ شده اند.

وقتی مزد «دوهوا» باشد

عده ای از کارگران کوره آجر فشاری که متعلق به حاجی جلیل رحمان ستایش است، خواست خود را در نامه ای بدین مضمون تسلیم اداره کار شیراز کردند:

در اسفند ۵۷ ما کارگران کوره آجر فشاری بابت هر هزار آجر ۱۷ تومان میگریفتم و تاکنون (۵۸/۵/۶) نیز همین مبلغ را میگریم، در حالیکه کارگران کوره های مشابه اطراف کوره ما، بابت همین مقدار کار، ۲۷ تومان دستمزد میگریزند. بدینوسیله خواستار رسیدگی و افزایش دستمزد هستیم.

یکی از این کارگران میگوید: «وقتی مزد دوهوا» باشد یا دزدی دازه میشه یا قلچماق بازی». یکی دیگر از کارگران چنین اظهار داشت: «چون کشور اسلامی شده، بخاطر اینکه کشور سروسامان بگیره، به کارفرما فشار زیادی نمی آریم والا...» این کارگران میگویند که اگر به کارشان رسیدگی نشود، دست از کار خواهند کشید.

اخبار دهقانی

شرایط استفاده از تراکتور را برای دهقانان سهل تر کنید

از شیراز خبر میرسد، شرایطی که برای فروش تراکتورهای ساخت رومانی از طرف دولت به دهقانان در نظر گرفته شده، دشوار و اغلب خرید تراکتور برای دهقانان نیازمند غیرممکن است.

این دهقانان برای خرید هر تراکتور میبایستی ۹۰۰۰ تومان پیش قسط پرداخت کنند و خانه ای به ارزش حداقل ۲۰۰۰۰ تومان را نزد بانک توسعه کشاورزی به گرو بگذارند. اکثر دهقانانی که به خانه ای به ارزش ۲۰۰ هزار تومان در اختیار ندارند، با اینکه اغلب چندین نفر برای خرید یک تراکتور شریک میشوند، باز موفق به انجام اینکار نمیکردند. دوتن از دهقانان میگویند که ما چهار نفر از اهالی یک ده شریک شده ایم تا یک تراکتور بخریم، ولی نتوانستیم سند خانه ای به ارزش ۲۰ هزار تومان در اختیار بانک بگذاریم و تراکتور دریافت کنیم.

مردم از آنجا که یک دولت ملی میبایست به کشاورزی، بعنوان یکی از ارکان مهم یک اقتصاد مستقل توجه جدی داشته باشد و برخلاف سیاست خانمان بر انداز رژیم پهلوی، تدابیری بیاندیشد که کشاورزی ما به خود متکی گردد و هر چه سریعتر احیاء شود، لازم است که دولت به این خواست برحق دهقانان زحمتکش ما توجه جدی نماید. و با سرمایه گذاری در روستاها، از جمله دادن کمکهای ضروری به روستائیان، بویژه دهقانان خرده پا و کم زمین، به این مهم جامه عمل ببوشاند.

چاههای آب سرمایه داران فراری را برای استفاده در اختیار روستائیان قرار دهید

روستای کتلان، از توابع فیروزکوه، در حدود ۲۰۰ خانوار در تابستان و در حدود ۸۰ خانوار در زمستان جمعیت دارد. دلیل این وضع نبودن کار دائمی است، که اکثر اهالی این روستا زمستانها برای کار به مازندران میروند. بغیر از ۲-۳ نفر، که در حدود ۵ هکتار زمین آبی دارند، بقیه از یک هکتار کمتر دارند و بیش از نیمی از اهالی اصلاً کشت آبی ندارند و فقط دیم گندم و جو و نخود و از این قبیل میکارند و اینهم در صورتیست که در سال بارندگی شده باشد. آب برای کشاورزی از چشمه ها تأمین میشود، که بسته به بارندگی، کم و زیاد میشود. هر سال بر سر تقسیم، به دلیل کمی آب، مردم بجان هم می افتند. در حالیکه مردم ده از کم آبی مینالند، دو جامه آماده بکار با موتور آب، که بوسیله عوامل شاهپور در زمین مردم این روستا حفر شده، اکنون بوسیله مرجعی نامعلوم بسته شده است، به این بهانه که این چاهها در گرو بانک است و هر کسی که میخواهد استفاده کند، باید بدهی آن سرمایه دار فراری را بپردازد. مردم این روستا خواهان آنند که این چاهها در اختیار آنها گذاشته شود تا با استفاده از این چاهها، مراتع دیم خود را زیر کشت آبی ببرند و در آبادی منطقه بکوشند.

شرکت در حال تعطیل کامل است

شعبه شرکت چکنی، واقع در پل فسا، نزدیک شیراز، پیمانکار نیروی هوایی است. این شرکت مدتی است کار را متوقف کرده و عده ای از کارگران را، که تعداد آنها زیاد است، مرسخص کرده است و در این روزها مشغول فروش ماشین آلات خود است. عده ای از نگهبانان این شرکت، حدود ۱۴ نفر، که در دوشیفت به کار نگهبانی و مسائل مشغولند، نگرانند که شرکت به همین ترتیب وسائل را بفروشد و در آخر آنها دستشان به جایی بند نباشد. این عده روزهای متوالی است که به اداره کار شیراز برای رسیدگی فوری به کارشان مراجعه میکنند. بعضی از این کارگران چهار سال و برخی ۷ سال سابقه کار در شرکت دارند. از جمله مزایائی که باید به آنها پیش از تعطیلی کامل شرکت تعلق گیرد، حق اولاد و صدی ۳۵ حقوق است.

جلو غارتگریها را بگیرید

روز پنجشنبه، ۵۸/۵/۱۸، عده ای سارق مسلح، که به گواهی چوپان ده، چهار نفر بودند، با آسایش خاطر و بدون ترس، در روشنائی روز، حدود ساعت ۷ بعد از ظهر، تعداد ۵۱ راس بز و گوسفند از قریه موسی نارنج ماهیدشت، واقع در ۲۰ کیلومتری کرمانشاه، را بفارت بردند. اهالی قریه به تعقیب آنها پرداختند، اما سارقین بطرف مردم آتش گشودند و آنها را ناچار به بازگشت کردند. اهالی به پاسگاه زندان مرمری محل مراتب را گزارش کردند. ساعت ۳ نیمه شب یک استوار، سه زنداندار و یک مجاهد وارد قریه شدند و با کمک مردم به چند دسته تقسیم شدند و به ردیابی پرداختند. تاکنون، یعنی تا ۲۰ مرداد نتیجه ای بدست نیامده است. اهالی از این بی نظمی به تنگ آمده اند و از دولت میخواهند که جلو این راهزنیها و چپاولها را در منطقه بگیرد.

خوزستان را دریا بید!

خوزستان همچنان ناآرام است و آستان حوادثی است که میتواند در آینده بر بنر نجاتی وضع بیفزاید. ضدانقلاب بعد از یک دوره کوتاه سردرگمی، بخود میآید، میکوشد تا متشکل شود و به حمله متقابل میپردازد، ما بارها شاهد انفجار لوله های گاز و نفت، خراب کردن پلها و خطوط ارتباطی، برب گذاری در مساجد و معابر عمومی و ساختمانهای عام المنفعه بوده ایم، بطوریکه روزی نیست که در آبادان، خرمشهر و سایر نواحی خوزستان صدای تیراندازی شنیده نشود. آنچه تأسف آور است اینست که برخی از کمیته ها نسبت به این اعمال بی تفاوتی نشان میدهند، بعلاوه بجاست که از جنگ سرد تبلیغاتی نیز که بنام گروه های مختلف صورت میگردد و بر بدبینی مردم میافزاید و محیط را متشنج تر میسازد، نام برد.

جای تعجب نیست که ضد انقلاب، که بوسیله امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا و کشورهای مرتجع منطقه تغذیه میشود، روز بروز بر اقدامات خرابکارانه و توطئه آمیز خود میافزاید. امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی وابسته به آن ورژیم های مرتجع محلی بوسیله انقلاب پیروزمند مردم ایران، که در آن بلااستثناء همه خلقها، اعم از فارس، کرد، آذربایجانی، عرب و ترکمن و... قهرمانان نهرزمندند، منافع سرشاری را از دست داده اند. بریکی از مهمترین پایگاههای اقتصادی، استراتژیک، نظامی و سیاسی امپریالیسم ضربه جدی و سنگینی زده شده است. آنچه شکست آور است عدم قاطعیت کافی از جانب دولت وقت در کوتاه کردن هر چه سریعتر دست امپریالیسم و عمال و جاسوسانش از ایران است. فراموش کردن امپریالیسم آمریکا، بعنوان دشمن اصلی انقلاب ما، از جانب نیروهای راست افراطی و چپ نماها و نسبت دادن اقدامات توطئه آمیز و خرابکارانه ارتجاع و امپریالیسم به نیروهای اصیل انقلابی نیز امری عادی شده است.

بیهوده نیست که امام خمینی، رهبر انقلاب ایران مرتب هشدار میدهد و مردم را به اتحاد در مقابل امپریالیسم دعوت میکند و امپریالیسم آمریکارا دشمن شماره یک خلقهای ایران میشمارد.

در چارچوب خرابکاریها و توطئه های امپریالیسم در ایران، خوزستان واقعا موقعیت بسیار حساسی دارد؛ بخش عمده نفت کشور، که تقریباً ۸۰ درصد بودجه دولت را تشکیل میدهد، در این منطقه استخراج میشود. همانطور که اعتصاب قهرمانان کارگران نفت توانست گلوی رژیم ضد ملی شاه مخلوع را بفشارد و نقش قاطعی در نابودی آن بازی کند، هم اکنون نیز امپریالیسم میکوشد با متشنج کردن اوضاع خوزستان و ضربه زدن به تولید نفت، انقلاب ایران را بخطر اندازد. باید اذعان کنیم که اگر اقدامات قاطع و انقلابی صورت نگیرد و همه نیروهای انقلابی متحد نشوند، این خطر میتواند برای انقلاب ایران بسیار جدی باشد.

در خوزستان خلق عرب زندگی میکند، که قهرمانان، دوش بدوش سایر خلقهای ایران، بر علیه امپریالیسم و ارتجاع رژیم شاه کوشید با ایراد فشار مضاعف بر این خلق (مثل فشاری که بر دیگر خلق های غیر فارس اعم از کرد، آذربایجانی، بلوچ، ترکمن و... وارد میساخت)، هم استثمار خلق عرب را تشدید کند و هم بین این خلق و دیگر خلقهای ایران دشمنی ایجاد کند، تا از این راه بتواند بزندگی تنگین خود ادامه دهد. گرچه این امر نتوانست از سرنگونی رژیم فاشیستی شاه مخلوع جلوگیری و ملی توانست اثرات سوئی بجای بگذارد، که به ضد انقلاب امکان بهره برداری میدهد.

هر کس به محله های عرب نشین حاشیه شهرهای خوزستان و یا دهات این منطقه سری زده باشد، میدانند که این برداران، درجه وضع استثنائی زندگی میکنند. آنها در فقیرترین و کمترین محلات، در کپر ها و بیغوله های بنام منزل زندگی میکنند، که در اکثریت مطلق خود، چه در شهر و چه در روستا، فاقد آب آشامیدنی، برق و حمامند؛ ولی در عوض در کنار همین مردم گرسنه و فقر زده، امپریالیستها و وابستگان ایرانی آنها، میلیاردها دلار بحساب استثمار وحشیانه این زحمتکشان، سود به جیب زده اند.

علاوه بر این، شاه مخلوع منکر وجود خلقی بنام خلق عرب در خوزستان بود و هر گونه خواست این خلق را برای حفظ تکامل فرهنگ و زبان خود وحشیانه سرکوب میکرد و آنها را از شرکت در تعیین سرنوشت خویش محروم ساخته بود. آن عده از شیوخ عرب، که در موضع ارتجاعی قرار دارند، در گذشته نیز بعنوان دستیاران رژیم خائن شاه مخلوع عمل میکردند و در عین حال چماقی در دست ارتجاع و امپریالیسم بر علیه جنبش کارگری در این منطقه و همچنین علیه خود خلق عرب این منطقه و سایر شیوخ بودند. آنها با سوء استفاده از بیسوادی و عقب ماندگی فرهنگی این خلق، که میراث امپریالیسم و نواستعمار است، بشدت بغارت خلق عرب مشغول بودند و زندگی را سیاهتر میساختند.

این شرایط دشوار زندگی و ستمی که از جانب رژیم شاه مخلوع به خلق عرب وارد آمده، ایجاب میکند که هر چه زودتر و بی گزیر تر تصمیمات قاطعی بنفع این خلق زجر دیده و قهرمان در جهت احقاق حقوق حقه ملی و انسانی آنان اتخاذ گردد. بویژه که درست از همین ارضیه شوم رژیم منفور پهلوی است که ارتجاع و امپریالیسم حامی او میکوشند حداکثر بهره برداری را بکنند. آنها که در دوران آقائی خود در ایران، هر گونه حق طلبی خلقهای ایران را با «تجزیه طلبی» سرکوب میکردند، حالانکه دفاع از خلق عرب، و خود مختاری، دست به تحریک میزنند و توطئه میچینند. امپریالیسم میکوشد با رخنه دادن عوامل خود و بسا سوء استفاده از وضع بد زندگی خلق عرب، که برآستی هم در شرایط یکلی غیر انسانی میراث رژیم شاه مخلوع زندگی میکنند، آنها را به شورش برانگیزد

و در مقابل «دولت» و «فارسها» قرار دهد. امپریالیسم از یکطرف میکوشد این کار را بانقلاب «چپ» و در قالب گروههای مائوئیستی، تر و تسکیستی و آنارشستی انجام دهد، تا بدینوسیله هم خود را از انظار پنهان سازد و در قالب «نیروی هوادار عرب» ظاهر شود و هم به مبارزین مسلمان و انبوه سازد که دست «چپ» و «کمونیستها» در کار است و بدینوسیله تبلیغات ضد کمونیستی را دامن بزند. از طرف دیگر امپریالیسم میکوشد بوسیله عوامل خود و بسا سوء استفاده از میهن دوستی زحمتکشان غیر عرب و علاقه آنها به حفظ تمامیت ارضی ایران، آنها را بر علیه خلق عرب بشورانند. رسوخ عناصر مشکوک و ناپاب در کمیته ها و دیگر سازمانهای اجرائی، کمک بزرگی برای اجرای نقشه ارتجاع است. در اینجا باید از اقدامات غیر مسئول پاره ای عناصر فاقد صلاحیت در کمیته ها و در سپاه پاسداران نیز نام برد، که بر بنی نچی کار میافزاید.

متأسفانه دولت تاکنون اقدام قاطعی در جهت از بین بردن ریشه های این تشنجات بر نداشته است. با وجود اینکه همگان دست عوامل سیا و ساواک و موساد را در حوادث خوزستان متذکر میشوند، ولی متأسفانه مقامات دولتی تاکنون هنوز حتی لیست ساواکیها را منتشر نکرده اند و گام مهمی در تصفیه ارگانها از عوامل ساواکی و ارتجاعی بر نداشته اند. تعداد دستگیریه ها و مجازات های داده شده، در این منطقه و مجازات آنها بسیار محدود و جزئی بوده است، و آنها که خود را در امان می بینند، هر روز گستاخ تر میشوند و توطئه جدیدی میآفرینند.

برای نمونه میتوان از شخصی موسوم به مکی فیصلی نام برد که سالها نماینده مجلس بوده و از آن گروه روسای عشایر است که با رژیم شاه مخلوع تا آخرین دقایق همکاری میکردند. وی حتی در دسته چماقداران بود. او تا چندین ماه بعد از انقلاب در شهر آزادانه فعالیت میکرد.

ما این گفته تیره سار مدنی، استنادار خوزستان، را که میگوید: «در این استان عرب و عجم رو بروی هم نیستند، این امپریالیسم است که دست به توطئه زده»، تأیید میکنیم و به همین جهت بر ایمان قابل درک نیست که چرا بر علیه عوامل امپریالیسم قاطعانه عمل نمی شود. حزب توده ایران با احساس مسئولیت کامل در قبال انقلاب ایران و یاد در نظر گرفتن حساسیت وضع خوزستان، باردیگر به دولت، به استناداری، به کمیته ها و تمام سازمانها و نیروهای انقلابی هشدار میدهد تا وزیر نشده، توطئه و تحریکات امپریالیسم و ارتجاع را بسا اقدامات قاطع انقلابی خنثی کند.

بنظر ما برای جلوگیری از توطئه و تحریکات امپریالیستی باید اقدامات زیرین هر چه سریعتر انجام شود:

- ۱- برسمیت شناختن حق خود مختاری اداری و فرهنگی خلق عرب در چارچوب ایرانی واحد و مستقل و با حفظ تمامیت ارضی ایران و از بین بردن میراث شوم ستم ملی که بر این خلق وارد میشد. خلق عرب باید امکان داشته باشد که بزبان عربی آموزش ببیند، سنن و آداب و رسوم خود را حفظ کند و فرهنگ خود را تکامل بخشد. در یک کلام، خلق عرب باید بتواند در تعیین سرنوشت خود شرکت داشته باشد.
- ۲- بدین طریق یکی از مهمترین حربه های امپریالیسم بسرای ایجاد تشنج و برادر کشی در خوزستان خنثی میشود و ضد انقلاب خلق سلاح میگردد.
- ۳- اقدامات سریع رفاهی در مناطق عقب مانده و کمک به وضع زندگی مشقت بار خلق عرب و حمایت جدی از اقداماتی که در شرف انجام هستند، بمنظور رفیع نارسائی هایی که میراث رژیم شاه مخلوع است و دستاویزی در دست گروه های ارتجاعی و چپ نما برای تضعیف انقلاب و رهبران انقلاب، امام خمینی است.
- ۴- اجرای طرح ضربتی استناداری خوزستان جهت آب و برق رسانی به دهات و بخش های خوزستان و دیگر اقدامات رفاهی، (که بوسیله استناداری خوزستان تیمسار مدنی تدوین شده) گامی است در جهت رفع این مشکل. باید امکانات وسیعتری از جانب دولت در اختیار استناداری قرار گیرد تا بتواند هر چه بهتر و سریعتر در این جهت اقدام کند.
- ۵- اعلام لیست اعضای ساواک در خوزستان و پاک سازی دستگاه دولتی و دیگر سازمانهای اجرائی از عوامل آن و بدین طریق کوتاه کردن دست آنها از مراکز حساس، دستگیری و محاکمه علنی و فوری آنها بوسیله دادگاههای انقلاب.
- ۶- تصفیه کمیته ها از عناصر مشکوک، ناپاب و غیر صالح.

با توجه به نقش بزرگی که کمیته های انقلاب در جهت مبارزه با عوامل امپریالیسم و ارتجاع ایفا کرده و می کنند، طبیعی است که در صورت رخنه عوامل دشمن و عناصر ناصالح در آنها، نه تنها از کار آبی و برائی آنها کاسته میشود، بلکه بوسیله ای برای بدنام کردن کمیته های انقلاب و در دیدن نهائی ضربه زدن به اعتبار رهبری انقلاب بدل میشود. باید با تصفیه همه جانبه این کمیته ها، همانطور که امام خمینی بارها تأکید کرده است، نقش انقلابی آنها را ارتقاء بخشید.

حزب توده ایران از خلق برادر عرب می طلبد، در مقابل دسایس امپریالیسم حشیاران عمل کند و بدنام شمارهای ظاهر فریب آن نیفتد. نیروهای مبارز و مترقی عرب باید بکوشند که عوامل مشکوک و ساواکی را شناسائی کنند و آنها را از میان خود برانند. در عین حال حزب توده ایران از اهالی غیر عرب و از دیگر سازمانها و نیروهای مترقی خوزستان میخواهد که از تحریکات امپریالیسم و ارتجاع بر حذر باشند و متحداً و با اقدامات قاطع و اصولی و انقلابی ضد انقلاب را سرکوب کنند.

فقط با اتحاد نیروهای انقلابی، اعم از عرب و غیر عرب و صرف نظر از وابستگی های سیاسی و مسلکی و مذهبیه میتوان توطئه امپریالیسم و عوامل چپ نما و راستگرا را در خوزستان خنثی کرد و پیروزی نهائی و قطعی انقلاب را تضمین نمود.

کشورهای سوسیالیستی پشتیبان نیرومند جنبش های آزادیبخش ملی

روزنامه پر اودا در مقاله ای پیرامون اوضاع نیکاراگوئه مینویسد:

نیروهای دمکراتیک و ملی امریکای لاتین به یک پیروزی مهم دیگر دست یافتند و خلق نیکاراگوئه رژیم دیکتاتوری سوموزا را، که زاندارم و محافظ منافع امپریالیسم امریکا بود، سرنگون کرده است. در این پیروزی، مبارزه نیرومند جهانی در زمینه همبستگی با خلق نیکاراگوئه نقش مهمی بازی کرد و همین مبارزه بود که امریکا و رژیم های دست نشانده آنرا از مداخله آشکار نظامی در نیکاراگوئه بازداشت.

رویدادهای نیکاراگوئه یکبار دیگر به روشنی نشان دهنده دگرگونی همه جانبه اوضاع جهان است و قدرتها و بلسوکه های امپریالیستی اجرای سیاست «چماق بزرگ» را روز بروز مشکل تر میکنند. مهمترین دلیل تغییرات در صحنه جهانی را میتوان تحکیم اتحاد انقلابی کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری جهان و جنبش آزادی بخش ملی دانست. اتحاد شوروی، قاطعانه و در پیگیری سیاست لنینیستی خود، از جنبش آزادیبخش ملی حمایت

میکند. اولین کشور سوسیالیستی جهان متحد وفادار و ستون اتکاء قابل اعتماد این جنبش است. روابط تازه میان اولین کشور سوسیالیستی جهان با کشورهای نو استقلال، که تا دیروز مستعمره بودند، روابطی بسابقه است. این روابط به آنها در مقابله با تهاجم امپریالیستی کمک میکند و وظایف مهم پیشرفت اجتماعی را بسا موفقیت حل میکند. بیش از هزار موسسه صنعتی و دیگر پروژه های اقتصادی، یکمک اتحاد شوروی در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین ساخته شده و یا کار ساختمان آنها آغاز شده است. این طرحها استقلال اقتصادی کشورهای نو استقلال را تحکیم بخشیده به آنها کمک میکند تا به عقبماندگی دیرینه فائق آیند.

کمک مثبت و نفوذ همه جانبه و قدرتمند کشورهای سوسیالیستی این متحد طبیعی جنبش های آزادی بخش ملی را میتوان از آغاز مبارزات آزادیبخش برای استقلال کشورهای نو استقلال مشاهده کرد، قدرت این اتحاد بزرگ ثابت شده است. گذشت زمان و تاریخ نیز آنرا ثابت کرده است.

افراد مشکوک کمیته دولت آباد خانه مستضعفان را از آنها میگیرند

افراد مشکوکی که در کمیته دولت آباد نفوذ کرده اند، بدون دست داشتن حکم تخلیه، بخانه های مردم، که همه آنها کارگرو زحمتکش هستند، میروند و بزور آنها را وادار به تخلیه خانه شان میکنند. دولت آباد، در جنوب شرقی تهران، از فقیرترین محلات پایتخت است و یکی از وسیعترین حلیی آبادهای تهران در این منطقه قرار دارد. شاه خائن، در اواخر سلطنت تنگین خود، برای اجرای نمایش «مردم دوستی»، مقداری خانه در منطقه دولت آباد ساخت و البته اغلب آنها نصیب کسانی که خانه ها با اسم آنها ساخته شده بود، نشد.

در روزهای انقلاب، مردم زحمتکش دولت آباد این خانه ها را بصرف در آوردند و زندگی را در آنجا آغاز کردند. برخی از خانه ها هم توسط افرادی تصرف شده که در ازای چند هزار تومان آنرا به دیگری واگذار کردند. بعد از انقلاب، افرادی سعی کردند مردم را از خانه ها بیرون کنند. مردم هم دسته جمعی پیش امام رفتند و امام به کمیته ها دستور داد هیچکس حق ندارد مزاحم مردم شده، آنها را از خانه هایشان بیرون کند. بعد از دستور امام، مردم مدتی در آسایش بودند، اما یکی دو هفته است که مزاحمت افراد مشکوکی که در کمیته محله نفوذ کرده اند، آغاز شده است. آنها سعی میکنند مردم را از خانه هایشان بیرون کنند و بعد آن خانه ها را در ازای چند هزار تومان به کس دیگری میدهند و از این طریق کلاشی میکنند. وقتی هم که مردم مقاومت میکنند و حاضر به ترک خانه نمیشوند، آنها را بسا

کتاب تازه
«گفتاری درباره امپریالیسم»
از: نورالدین کیانوری
نگاشته سال ۱۳۵۳
از انتشارات حزب توده ایران

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فلا هرفهته نه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود.
نشانی،
خا بان ۱۶ آذر، شماره ۶۸،
تلفن، ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

از انقلاب با اصولیت و با مسئولیت باید دفاع کرد

انقلاب ایران گذشته‌های سختی را در پشت سر گذاشته، ولی با احتمال قوی، گذشته‌های سختی را هنوز در پیش رو دارد. امام خمینی، در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود، با اطمینان گفت که ضد انقلاب دیگر خطر بزرگی برای جامعه ما نیست و انقلاب از عهد «ریشه‌های گندیده» رژیم گذشته، که هنوز باقی است، بخوبی برمیآید. نظر امام خمینی مسلماً بر اطلاع همه جانبه ایشان از اوضاع استوار است و برای ما، هم مطبوع است و هم قابل وثوق. با اینحال عقل و گوش بزنگی حکم میکند که به ضد انقلاب، همچنانکه در نامه سرگشاده کمیته مرکزی حزب توده ایران با تفصیل ذکر شده است، کم‌بها داده نشود.

ما می‌بینیم که عمال امپریالیسم و رژیم سابق، جناح راست افراطی و عناصر چپ‌نما، که بعدها شکل درآمده‌اند و در همه ارگان‌ها و از آنجمله دولت و کمیته‌ها و یاساداران رخنه کرده‌اند، با تبلیغات وسیع خود، با استفاده از مشکلات ناگزیر انقلاب، دارند از شور و شوق انقلابی مردم، از اعتقاد اولیه آنها به رهبران انقلاب و پیرویه امام خمینی، از عزم جزم آنها برای طرد هر اقدام ضد انقلابی می‌کاهدند و روحیه شک، یاس، سرخوردگی، اعتراض، انتقاد، ناخشنودی، تفرقه و سوءظن را با سرعت پیش می‌کنند و هر گام تازه انقلاب را با تفسیرهای مسخره آمیز یا بدبینانه خود بی‌چلوه می‌سازند. ضد انقلاب برای پیشرفت کار خود پلیدترین شیوه‌های ابلسی را بکار می‌برد، از ساختن «جسک»های مختلف گرفته تا تعبیرهای موزیانه و گاه بکلی دروغ از اعمال و اقوال رجال دولت و انقلاب. ضد انقلاب چرخ شایه‌سازی را به‌خوش در آورده و هدفش کثفت کردن، پوساندن و بی‌رمق ساختن فضای انقلابی است.

هم‌اکنون برای ضد انقلاب میتوان موقیتهایی را در این زمینه‌ها ثبت کرد. نیروهای اصول انقلابی، که بهدفعات انقلاب وفادارند، در زیر فشار عملی او با شانه باند های ضد انقلابی قرار دارند و دولت و سایر ارگانهای انقلاب قادر نیستند، از امنیت سیاسی و شخصی آنها دفاع کنند. اعتراض مکرر حزب ما، اگرچه به واکنش منطقی آیت‌الله طالقانی در نماز جمعه منجر شد، ولی این هنوز ضامتی برای جلوگیری از فعالیت‌های ضد انقلابی نیست.

به پیدایش این فضا برخی مطبوعات هم با اشکال ظریف کمک کرده‌اند. ظاهراً این مطبوعات «ضد امپریالیست» و «دشمن سرسخت رژیم گذشته» اند و فقط از «تجاوزاتی» که به «آزادی» میشود، رنجیده خاطرند. ولی وقتی مدتی مطالب و شکر کرد کار این مطبوعات را دنبال میکنید، می‌بینید که تنها سفیهان باین نوع عوام فریبی‌ها باور می‌کنند.

هنوز خون شهیدان خشک نشده، آنها با مرکب خود دست بکار شدند. برای آنها همه دستاوردهای مثبت انقلاب در سیاست داخلی و خارجی نتیجه «پویائی خود بخودی جنبش انقلابی» است، ولی همه پدیده‌های منفی تفسیر رهبران درجه اول انقلاب است! بکمک سفسطه ظریف و با استفاده از وقایع روزمره‌ای که رخ میدهد، این مطبوعات دمدم بخت‌های یاس‌انگیز و روحیه کشی را براه می‌اندازند. و مثلاً وقتی پیش‌بینی آنها درباره خطر «فلائیترسیم» آخوندی تحقق نمی‌پذیرد، آنرا بحساب مقابله بموقع و مبارزات بصیرانه خود می‌گذارند؛ گویا اگر آنها نبودند، بر ایران هم‌اکنون فاشیسم حکومت میکرد!

درواقع اگر فلائیترسیم هم وجود داشته باشد، متعلق به انقلاب و رهبران صمیمی آن نیست، بلکه کار آگاهانه کسانی است که باید به این نوع مطبوعات «غذا برسانند» و در واقع متحدین دوروز نزدیک این نوع مطبوعاتند و حتی میتوان گفت که رهبر ارکستر، در پس پرده، یکی است.

ما جدا خواستار احترام به حقوق حقه مطبوعاتیم، ولی نمیتوانیم درباره نقش نادرست و زیانمند پاره‌ای از مطبوعات، بقصد عوام فریبی، سکوت کنیم.

انقلاب یکی از دواواترین و حادثترین اشکال نبرد طبقاتی است. در اینجا شوخی در میان نیست. هر کس باید مسئولیت خود را درک کند، هر کس باید بفهمد که چه مینویسد و چرا می‌نویسد و مینویسد که چه بشود. تنها یک مثنی، مثنی تقویت واقع بینانه و همه جانبه از جهات مثبت رهبری سیاسی انقلاب، یک مثنی درست است، و با اسلوب بزرگ کردن دائمی مسائل غیر عمده و ایجاد محیط مساعد برای تبلیغات ضد انقلابی ابتدا نمیتوان سازگار بود، یعنی صحبت بر سر آن نیست که فلان واقعه که فلان روزنامه

قرارداد توسعه ذوب آهن ایران با اتحاد شوروی امضاء شد

اتحاد شوروی ۳۰ میلیون روبل به ایران تخفیف داد و قبول کرد که طرحهای مربوط به بالا رفتن سطح کارایی در واحد ذوب آهن را بطور مجانی ارائه دهد.

قرارداد توسعه ذوب آهن ایران با اتحاد شوروی امضاء شد. جهانشاهی، مدیر امور فنی ذوب آهن ایران، ضمن دادن این خبر گفت:

«تولید ذوب آهن که قبل از انقلاب بین ۵۵۰ تا ۵۷۰ هزار تن در سال بود و در طول انقلاب به کمتر از ۵۰۰ هزار تن رسید، تا پایان سال جاری به ۵۰۰ هزار تن خواهد رسید.»

جهانشاهی گفت: «پیش‌بینی میشود که کوره بلند تا ۱۲ ماه آینده مورد بهره‌برداری قرار گیرد. ذوب آهن در آینده یک میلیون و نهصد هزار تن فولاد بصورت شمش تولید خواهد کرد که از این مقدار یک میلیون و هفتصد هزار تن فولاد نورد شده است. همچنین یزودی با تغییراتی که در طرح و بسالابردن ظرفیت نورها بعمل آمده، تولید آن به ۲ میلیون و صد و پنجاه هزار تن افزایش خواهد یافت.»

مدیر امور فنی ذوب آهن ضمن اعلام اینکه مخارج توسعه، ۲۴۳ میلیون روبل برآورد شده و مقامهای شوروی ۳۰ میلیون روبل تخفیف قائل شده‌اند، افزود:

«مقامهای ذوب آهن شوروی، علاوه بر این تخفیف، قبول کردند که بطور مجانی طرحهایی مربوط به بالا رفتن سطح کارایی در واحد ذوب آهن ارائه دهند و کارگاههایی را که برای این مجتمع لازم است، احداث کنند.»

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می‌فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه‌های گوناگون برای «مردم» خبر می‌فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبارهم، جز تکیه به اینکه فرستنده‌گان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می‌کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تا کنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه‌ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری ببار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند. با سپاس. «مردم»

توجه!
گزارش تظاهرات روز قسسه، در همستگی با خلق قهرمان فلسطین، در شماره آینده به اطلاع خوانندگان «مردم» میرسد.

در انگلستان
کمک مالی به حزب را میتوان بوسیله آدرس زیرین ارسال داشت:
P. O. Box 141
London, E7 OPE

یامجمله، در اطراف آن به قلمرو سائی‌های «شیرین» وزیر کانه میرداند، اصلاً وجود خارجی ندارد، یا نباید در این زمینه‌ها ایرادهای منطقی وارد ساخت. بحث ابتدا در اینجا نیست. بحث در اینجاست که مسئله عمده چیست؟ وظیفه روزگدام است؟ اکنون در جهت تقویت انقلاب ایران چه باید کرد؟ چگونه باید در دام ضد انقلاب نیافتاد و آنرا تغذیه نکرد؟ چگونه باید فضای امید و پیروزی را در جامعه حفظ کرد تا دشمن انقلاب جان نگیرد؟

آیا آزادی مطلق و بی‌بندبار و بدون مسئولیت در یکی از بفرنج ترین و حساس‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر ایران (و شاید تاریخ ایران) مجاز است؟ آیا اصلاحاتی در دنیا هست که چنین آزادی را مجاز شمرند، حتی در دوران غیر انقلابی؟

کمیسیون دلخ ایضاً، بریاست جرج بال، مرکز تطبیق عملیاتی سازمانهای اکتشافی کشورهای غربی علیه انقلاب ایران است که یک مهره‌اش شاه خائن و دارودسته تیمساری- ساواکی‌اوست جناح راست جامعه‌ما اکنون تماماً به‌افزار این مرکز بدل شده و باتوسل به‌زور و تحریک و مفسده‌جویی‌های رنگارنگ، سخت گرم کار است. درواحندهای ملی‌مانند کرستان و خوزستان و بلوچستان اجاق‌های انفجار تهیه شده و کار ممکن است به درگیری خونین برسد. در این شرایط بحث‌های مشکوک و تهرهای عظیم و تحریک آمیز برخی جرایم، که عالماً عامداً حوادث راکج و کوله می‌کنند، آیا بخشی از همین عملیات دامنه‌دار ضد انقلاب نیست؟ آیا نوعی تدارک فاجعه نیست؟ آیا جنگ روانی بسود هدفهای معین نیست؟

چنان‌اندازه باید شخصی ساده لوح باشد که این الفبای سیاسی را درک نکند. آخرین کارها در نقاط دیگر، شیلی بنگلادش، مصر آنکولا، اتیوپی و نقاط دیگر بارها تکرار شده است.

ما بطور راسخ طرفدار آزادی مطبوعات، دشمن سانسور، دشمن تمعقب‌خود سانسور مطبوعاتیم. ولی بطور راسخ طرفدار احساس مسئولیت در مقابل انقلاب و گوش‌بزرگی در مقابل ضد انقلابیم. وقتی ما بین این دو ملاحظه تضادی پدید شود، بنظر ما اولویت ناگزیر با ملاحظه دوم است. نمیتوان بحساب محو انقلاب، شیوه لوکس و بگذارد هر که هر چه دلش میخواهد بنویسد» را مجاز شمرد. آن کدام انقلاب کور باطن بی‌عرضه است که نتواند از خود در مقابل بازیگریهای مختلف مخالفان دفاع کند.

ما ما ملیم که درباره مطبوعات رفتار قانونی در برابر دیدگان و با اطلاع خلق، مستدل و تهی از غرض و بحد اعلی انسانی و درست انجام گیرد. ولی ما ابتدا با اقدام انقلاب برای دفاع از خود در عرصه مطبوعات مخالفتی نداریم و نمیتوانیم و نباید داشته باشیم. ممکن است در وضع آشفته کنونی، کسانی از همان نیروی ضد انقلابی، با اصطلاح موفق شوند که این شتر را درخسانه دیگران هم بخوابانند، یعنی مطبوعاتی را که با یکگیری از انقلاب و رهبران صدیق آن در زمینه عمل سیاسی دفاع میکنند، مورد فشار و تهاجم قرار دهند. ولی بنظر ما این ابتدا نمیتواند دلیل شود که ما اقدام درست علیه مطبوعات «بدون مسئولیت» را «از ترس سر نوشت خود» نادرست بشمریم. بموقع خود، اگر عمل ناروایی بشود، خواهیم گفت: اقدام شما در فلان مورد اساسمند بود، ولی در فلان مورد نادرست. از بیم نادرست که نباید با درست مخالفت کرد.

ما بتوبه خود بر آنیم که یک سلسله مطبوعات، که خود را یار انقلاب نشان میدهند، دانسته یا ندانسته، عامداً یا سهواً آب در آسیاب ضد انقلاب میریزند. با آنها باید تذکر داد، اخطار کرد و اگر علیرغم تذکرات و اخطارهای اصولی و مستدل، در روش خود عناد ورزند، در برابر آنها باید واکنش قانونی نمود.

این از ضروریات انقلاب است. در اینجا محلی برای تسامح زائد و مطلق‌سازی آزادیها و نفی مسئولیتها نیست.

ما دچار این پندار باطل نیستیم که نیت ما در طرح این مسئله عون نیت دیگری است که در این مسئله با ما دوری همانند دارند. سیر حوادث نیت‌ها را بر ملا خواهد کرد. آنچه که به نیت ما مربوط است، جای کمترین شبهه‌ای نیست که وارسته‌اثر شخصی یا گروهی، سادقانه، در جهت سود خلق و انقلاب او و به تبیت اصولی است که بدان باور داریم. ما در این چارچوب حرف خودمان را می‌نویسیم و بکسی کاری نداریم و حرف ما را باید در چارچوب حرف ما فهمید و الاسوء تفاهم و سوء تعبیر است.

نوشت،
محقق زاده مردانه در برابر شکنجه مقاومت کرد، روحیه‌اش عالی بود.
منوچهر مختاری، افسر جوان ۲۵ ساله‌ای که تمام نیروی زندگی و ویسکار خود را در خدمت حزب قرار داده بود، با وجود عشق شدید به زیبا تهای زندگی، به همسر جوان و پسر خردسالش، آنجا که لحظه تصمیم فرا رسید، بی‌ایهام و تردید، شهادت در راه خلق را برگزید. او قبل از آنکه به زندگی شخصی خود دل بندد، به آرمان زحمتکشان، پسا برهنه‌ها، محرومان اجتماع دل بسته بود. در نامه کوتاهی که رفیق شهید منوچهر مختاری به حزبش نوشت، تمام احساس خسود را در

موضوع است که بمن در این روزهای دشوار نیرو میدهد و مرا شاد و سرسخت نگه میدارد. با دلی شاد و پر امید گلوله را در دل خود جای خواهم داد و تا آخرین لحظه، که گلوله‌ها قلم را خواهد شکافت، افتخار پیوستگی ام را بخلق چون یتک سنگین بر منز دشمنان میکوبم.
ستوان مرزوان، در آخرین دقیق حیات، بارو حیه یک توده‌ای پیکار جو، خود را به محک آزمایش میزد. او میخواست هر اس احتمالی خود را در برابر مرک بیازماید و حد مقاومت خویش را بسنجد. پس از این خود آزمائی بود، که بارضایت بر دیوار زندانش نوشت: «قلم را امتحان کرده‌ام، آرام است. امیدوارم همه زندانیان

بقیه از صفحه ۹
افول شکوه منند...
مستم و با محقق زاده، همچون نوع پیوند فکری و عقیدتی ندارم. اما نمیتوانم حیرت خود را از این همه رشادت و شهامت پنهان کنم. محقق زاده در دادگاه بی‌اختاست و گفت: او مسئول جلب پانزده افسر هم‌رزمش به حزب توده ایران است و اگر از نظر این دادگاه غیر قانونی گناهی وجود دارد، گناهکار فقط اوست و فقط او باید اعدام شود.
دفاعیه رفیق قهرمان محقق زاده، یکی از اسناد ارزنده‌ای بود که حزب ما بر آن دست یافت. متأسفانه در جریان

رفیق راه پیا

اگر به قهر در آئی، که فتنه می بارد
شفق نشسته به خون، چشم آفتاب به خواب
به دشت صبح بهاران و جلوه‌ی مهتاب
هنوز سردی دیماه
گستریده بساط
اگر به سایه‌ی ناپاوری،
-ضالیت یاس-
کمان کشیده برانی
به رزمگاه بگاه
اگر به گریه نشینی
که اوای، زاغ وزغن
هزار آفت درد آشنا، نثار تو باد
* * *
اگر چه نیست بهاری هنوز
خرمگون
اگر چه نیست صفائی هنوز
روشنگر
ولیک، غنچه‌ی نورسته در نوید
بین
ولیک، خرمن گلزار در سروش
تگر
* * *
رفیق راه پیا، تا غریبو برگیریم
کز این سراچه‌ی دل
رفیق راه پیا، تا ترانه سرگیریم
که کام بلبل شیرین سخن
بیاراید
حدیث جلوه‌ی مهتاب و شاه راه بهار
نوای مهر و محبت، که در ترانه‌ی ماست
هزار باغ گل و ارغوان
بیار آرد
رفیق راه پیا،
هم عنان، پیا
با ما.
سیروس نیرو

مخالفت با سیاست عدم تعهد، یعنی مخالفت با سیاست مستقل ملی

کامل ریشه‌های وابستگی سیاسی و نظامی و اقتصادی به امپریالیسم آمریکا، و قبل از همه لغو قرارداد اسارت آمین نظامی با آمریکا، با نظر تأیید تلقی کردید. وزیر امور خارجه ایران نیز در توجیه لغو قراردادهای مربوط به خریدهای تسلیحاتی و فروش یا پس دادن پاره‌ای از این تسلیحات از جمله جنگنده‌های اف-۱۴ روی این مسئله تأکید نمود که قراردادهای نظامی و تسلیحاتی و وجود اینگونه سلاحهای مدرن علاوه بر هزینه‌های سنگین که به کشور تحمیل میکند، نیاز به وسایلی دیگر و استفاده از مستشاران و کارشناسان نظامی آمریکایی دارد، که این مسئله خود نه تنها مانع رهائی از بندهای وابستگی نظامی و سیاسی به امپریالیسم آمریکاست بلکه این وابستگی را بیشتر میکند و در ضمن وجود این نوع سلاحها با استراتژی نظامی دولت جمهوری اسلامی، که باید گفت تا بی‌اسیاسیت خارجی آن است، مغایرت دارد.

با این همه، پاره‌ای از مقامات مسئول در ارتش بخود اجازه میدهند که مخالفت صریح خویش را با این سیاست ابراز دارند. آقای سر تیپ فلاحتی فرمانده نیروی زمینی در يك سخنرانی، سیاست عدم تعهد را برای کشور ما بی‌معنی دانسته است، با این استدلال که چون سلاح ارتش ما آمریکایی است، بنا بر این بناچار باید همچنان از آمریکا بیدکی و اسلحه بخریم! سخن دیگری، بنظر ایشان ایران باید همان سیاست وابسته به امپریالیسم آمریکا را دنبال کند.

گذشته از این مطلب، که تشخیص و تعیین خط مشی سیاست خارجی کشور، نه از اختیارات فرمانده نیروی زمینی ارتش، بلکه از اختیارات و در صلاحیت دولت جمهوری اسلامی است، يك چنین اظهار نظری را، اگر ناشی از میانه‌روی شایع و تفکر نظامیگری دوران رژیم شاه مخلوع تلقی نکنیم، حداقل باید نشانگر ناآگاهی در مسائل سیاسی و عدم درک منافع انقلاب و استقلال ملی بدانیم.

نا گفته روشن است که یگانگی سیاست معادله سیاست عدم تعهد، ادامه سیاست شرکت در پیمانهای نظامی امپریالیستی، پیش گرفتن سیاست نظامیگری و معادله تسلیحاتی و پیش روی در مسیر تبعیت از منافع و مواضع سیاسی و نظامی و اقتصادی امپریالیسم آمریکاست. آیا يك مقام مسئول نیروهای مسلح که موظف به دفاع از دستاوردهای انقلاب و تأمین پیشرفت روند انقلابی است، میتواند بخود اجازه دهد که در مقام مخالفت و نفی خط مشی سیاست خارجی دولت بر آید و سیاستی مغایر با اهداف انقلاب و بزبان استقلال ملی کشور پیشنهاد کند؟ آیا چنین اظهار نظری از جانب چنین مقام مسئولی خطرناک نیست؟

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی مردم ایران، که در نتیجه آن رژیم مغفور سلطنتی و از گون گردید و نظام جمهوری اسلامی استقرار یافت، مبارزه برای ریشه کن کردن نفوذ امپریالیسم ضریب خورده ادامه یافت و ادامه دارد.

استاد و مدارکی که از جانب مقامات رسمی دولت جمهوری اسلامی و وزارت امور خارجه ایران در مورد قراردادهای نظامی و معاملات تسلیحاتی رژیم شاه مخلوع با امپریالیسم آمریکا انتشار یافت، وسعت و عمق خیانت‌های رژیم جنایتکار پیشین و درجه وابستگی ایران به امپریالیسم آمریکا را روشن تر کرد و در عین حال اتخاذ تدابیر پیکر و قاطع در جهت رهائی از این وابستگی را مبرم تر و ضرور تر ساخت.

این وابستگی‌های نظامی و تسلیحاتی موجب شد که ایران به ژاندارم در منطقه و در نقشه‌های استراتژیک نظامی امپریالیسم آمریکا به مقیاس جهانی - بهایگاه نظامی تجاویز مبدل گردد. بدین ترتیب قراردادهای نظامی و قراردادهای مربوط به خرید اسلحه رژیم مغفور پیشین با امپریالیسم آمریکا، که موجب برقراری و تشدید نفوذ پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) از طریق دهها هزار مستشار و کارشناس آمریکایی در ارتش ایران گشته بود، مجموعه سیاست خارجی ایران را نیز در دست پیروی از سیاست تجاویز و نظامیگری امپریالیسم، توطئه و تحریک علیه کشورهای مستقل ملی و سرکوب جنبشهای رهائی بخش خلقها بویژه در منطقه قرار داده بود.

خروج ایران از پیمان نظامی سنتو، لغو پاره‌ای از قراردادهای خرید اسلحه از آمریکا، خروج بخشی از مستشاران نظامی آمریکا، قطع روابط سیاسی با اسرائیل و مصر، از جمله کوششهای چشمگیری بود که از جانب دولت جمهوری اسلامی در زمینه رهائی از بندهای وابستگی سیاسی و نظامی کشور به امپریالیسم آمریکا انجام گرفت. اظهارات رسمی مقامات مسئول در مورد حمایت از جنبشهای رهائی بخش ملی و مبارز ضد امپریالیستی خلقها و سرانجام اعلام رسمی دولت در مورد پیوستن ایران به جنبش کشورهای غیر متعهد، از اقدامات جدی دولت جمهوری اسلامی ایران، در جهت اتخاذ يك سیاست خارجی مستقل ملی بشمار می‌آید.

این تصمیمات دولت جمهوری اسلامی، از جانب همه نیروهای راستین انقلابی، که دستیابی به هدف ضد امپریالیستی انقلاب را بدرستی تضمین واقعی جهت تثبیت دستاوردهای انقلاب و تضمین پیشرفت روند انقلابی میدانند و در عین حال معتقدند که تنها وسیله ایجاد چنین تضمینی عبارتست از قطع

تلاش امپریالیسم برای منحرف کردن جنبش کشورهای غیر متعهد

نشریه «آسیا و آفریقای امروز» در تفسیری بین‌امون جنبش عدم تعهد می‌نویسد:

مخالفان جنبش عدم تعهد از اختلاف ما و تناقضهای موجود برای منحرف کردن مسیر آن، خشتی کردن سمت گیری ضد امپریالیستی جنبش و تمهیل نظریات و عقایدی که در صورت پذیرفته شدن به تضعیف و یا از هم پاشیده شدن آن وانحراف کشورهای عضو از مسیر ترقیخواهانه سنتی خود منجر خواهد شد، استفاده میکنند.

نواستعمارگران از یکسوا نظریه پخش اکاذیب مربوط به گسترش نفوذ «کمونیستی» در اردوگاه عدم تعهد، تلاش دارند پاره‌ای از کشورهای غیر متعهد را مسرعب کنند، از سوی دیگر تاکتیکهای تازه نواستعمارگران بر سر این هدف دور میزند که مهمترین و پیگیرترین شرکت کنندگان در جنبش را در «مخمس» قرار دهند، آنها را از مسیر اصلی عدم تعهد دور کنند و بتدریج این کشورها را در نظام سرمایه داری جهانی درگیر سازند، با این امید که این کشورها سرانجام بسیاری دیگر از شرکت کنندگان در جنبش را بدنبال خود خواهند کشاند.

مثال بارز مصر نشان میدهد که این تلاشها همواره بی‌ثمر نیست. نیازی به گفتن نیست که مصر از همان ابتدای شرکت کننده فعال جنبش بوده است. اما معاهده جداگانه مصر و اسرائیل، که با یاد زمینی آمریکا انجام شد، عملاً قاهره را در مقابل کشورهای غیر متعهد قرار داد.

اکنون آسیای جنوب شرقی، در چارچوب تاکتیکهای انعطاف پذیر تر امپریالیسم در مورد جنبش عدم تعهد، مورد توجه کامل نواستعمارگران قرار گرفته است.

قاضی و سخنگوی دادگاه انقلاب اسلامی: امام با تشکیل «دادگاههای ویژه جرائم ضد انقلاب» مخالفت کرد

● نزدیک به ۱۰۰۰ ساواکی در انتظار محاکمه هستند

دادگاههای انقلاب اسلامی، بعد از مدتی وقفه، فعالیت خود را با محاکمه عاملان کشتار ۱۷ شهریور ۸۰ بهمن، از سر گرفتند.

دکتر نراقی، قاضی سخن گوی دادسرای انقلاب استان مرکز، در گفتگویی با خبرنگاران درباره علل توقف کار دادگاههای انقلاب سخن گفت و ضمن اعلام اینکه دادگاهها با قاطعیت به فعالیت خود ادامه خواهند داد، در باره تشکیل دادگاههای ویژه در دادگستری برای انجام محاکمات انقلابی و جرائم ضد انقلاب گفت:

«روزیکه ما اعلام دادگستری را دایر بر تشکیل این دادگاهها دیدیم روزی بود که در قم برای ملاقات با امام حضور داشتیم. پس از اطلاع از این موضوع، که در در یکی از جرائد صبح تهران منتشر شد، مطلب را به عرض امام رساندیم. امام این مطلب را تکذیب کردند و با توجه به اینکه در آئین نامه تشکیل دادگاهها و دادسرای انقلاب باید به پیشنهاد دولت و تصویب شورای انقلاب و کسب اجازه از محضر امام صورت بگیرد،

قاضی و سخنگوی دادگاه انقلاب اسلامی: امام با تشکیل «دادگاههای ویژه جرائم ضد انقلاب» مخالفت کرد

لذا از امام سؤال شد که آیا این اجازه کسب شده است؟ امام فرمودند خیر، و اصولاً از تشکیل دادگاههای ویژه در دادگستری اظهار بی اطلاعی کردند و مخالفت خود را با تشکیل چنین دادگاههایی اعلام داشتند.»

سخنگوی دادگاه انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنانش خود گفت:

«بدستور امام تا آخرین زندانی زندان اوین، کار دادگاههای انقلاب ادامه پیدا میکند. هزار مهم در بازداشتگاه اوین زندانی هستند، که اکثر آنان را افراد ساواک تشکیل میدهند.»

نراقی افزود:

«پاره‌ای متهمان، اوائل انقلاب، به کیفیت از زندان رفته اند که اکنون احساس میشود باید مجدداً برای ادامه تحقیقات و محاکمه احضار شوند.»

او در جای دیگر چنین گفت:

«بر محاکماتی هم که بعد از این مقطع عمل میشود. دادگاه به هیچ کیفیت قاطعیت انقلابی خود را از دست نداده است.»

پیام سازمان ایالتی حزب توده ایران در گیلان بمناسبت سالگرد شهادت شش رفیق افسر توده‌ای کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی! در سحرگاه بیست و ششم مردادماه سال ۱۳۳۴، شش نفر از افسران سازمان نظامی حزب توده ایران بدست دژ خیمان محمدرضا شاهی و بدستور امپریالیسم چپانخور آمریکا تیرباران شدند.

این فرزندان شریف و مومن دوست خلق ما، که بانثار جان خود حقانیت حزب ما را اثبات کردند، همیشه در قلوب مبارزین صدیق و خلقهای ستمدیده ایران جای دارند. ما سوگند یاد میکنیم که به آرمانهای آنها، که پیوند جدانا پذیر با آرمان خلق دارد، وفادار بمانیم. ما سوگند یاد میکنیم که راه پرافتخارشان را ادامه دهیم.

دروود بروان پاک شهیدان قهرمان حزب ما!

توضیح

بنابه اطلاع رسیده، متأسفانه برخی مطالب مندرجه در مقاله‌ای که به مناسبت روز شهادت علی ابن ابی طالب در روزنامه مردم نگاشته شده بود، در برخی نقاط مورد تعبیراتی قرار گرفته که گویا قصد بر خورد خاصی نسبت به شخصیت مذهبی خلیفه سوم در میان بوده است.

چنانکه بارها گفته ایم، روش حزب ما احترام به مذهب و معتقدات مذهبی است و قصداً هانت به هیچیک از ادیان و مذاهب را ندارد و از این کار کمترین سودی نمی‌برد.

ما بنوبه خود از این جریان سخت متأسفیم و احترام صادقانه خود را به همه ادیان و مذاهب، بویژه به دین اسلام که دین مردم کشور ماست، و از آن جمله به مذهب جعفری اثنا عشری و مذاهب اربعه اهل تسنن یکبار دیگر تصریح میکنیم.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق